

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَآكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا
أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَانْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۱
(خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی‌ام بدار. خدایا، درهای
رحمتت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علمت را برایمان باز کن؛ به مهربانی‌ات
ای مهربان‌ترین، مهربانان!)



۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مطالعه.



تقدیم به ارواح قدسی ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه مولا و مقتدای
زمان، حضرت بقیة اللہ الاعظم وَعَلَّیْهِ السَّلَام؛ شہدای انقلاب اسلامی و دفاع
مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اہل بیت و زائران آستان ملکوتی امام
علی بن موسی الرضا علیہ السلام!

همراه با مسابقه / ۱۴۷

غزل ایستادگی



بازتاب فرازهایی از تاریخ معاصر ایران در آینه شعر

سرشناسه	دلیلی صالح، علی اصغر، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	غزل ایستادگی؛ بازتاب فرازهایی از تاریخ معاصر ایران در آینه شعر؛ به کوشش علی اصغر دلیلی صالح؛ [برای] معاونت تبلیغات اسلامی استان قدس رضوی.
مشخصات نشر	مشهد؛ آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات، زائر رضوی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۲۰۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۰۳۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
یادداشت	کتابنامه: ص ۱۹۴-۲۰۲.
عنوان دیگر	بازتاب فرازهایی از تاریخ معاصر ایران در آینه شعر.
موضوع	شعر سیاسی-- قرن ۱۳ ق. - ۱۴-- مجموعه‌ها
موضوع	Political poetry -- 19th-20th centuries -- Collections
موضوع	شعر فارسی-- قرن ۱۳ ق. - ۱۴-- مجموعه‌ها
موضوع	Persian poetry -- 19th-20 th century -- Collections
موضوع	ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. -- شعر
موضوع	Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906 - 1909 -- Poetry
موضوع	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ -- شعر
موضوع	Iran -- History -- Pahlavi, 1925 -1941 -- Poetry
موضوع	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ - -- شعر
موضوع	Iran -- History -- Islamic Republic, 1979 -- Poetry
شناسه افزوده	آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ناشر
شناسه افزوده	Astan Qods Razavi. The Islamic Propagation Department
رده بندی کنگره	PIR ۴۱۸۵
رده بندی دیویی	۸۴۱/۶۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۷۴۳۶۲۴
وضعیت رکورد	قیفا



عنوان: غزل ایستادگی؛ بازتاب فرازهایی از تاریخ معاصر ایران در آینه شعر

به کوشش: علی اصغر دلیلی صالح

ویراستار: مریم رمضانی

ارزیاب علمی: جواد محدثی

ناشر: انتشارات زائر رضوی

چاپخانه: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۰۳۴-۱

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، بین باب‌الهادی علیه السلام و صحن غدیر.

اداره تولیدات فرهنگی.

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادات: ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲

حق چاپ محفوظ است.



فهرست

۸	مقدمه
۱۱	آغاز بیداری
۱۷	شیخ فضل الله نوری
۲۱	شام تاریک
۲۵	دلبران تنگستان
۲۷	امتداد ظلم
۳۱	در مسیر طوفان
۳۵	سردار جنگل
۳۸	پادشاهی نیرنگ
۴۰	کشف حجاب
۴۳	مسجد خون
۴۵	مرد بیدار
۴۸	دست نشانده
۵۱	خیزش
۵۴	شهر بیدار
۵۷	جمعه سیاه
۶۰	بیداد
۶۲	سفر بی بازگشت
۶۵	طلیعه فجر



صبح آزادی	۶۹
نبرد با شیطان	۷۳
دست خدا	۷۸
معلم شهید	۸۱
شهید مظلوم	۸۳
یاران آسمانی	۸۷
فتح مفتوح	۸۹
بازی آتش	۹۱
خروش شیرمردان	۹۵
بوی خیانت	۹۷
خونین شهر	۹۹
مرگ نفاق	۱۰۲
سردار نستوه	۱۰۵
تا پای جان	۱۱۲
جنگ مذبحخانه	۱۱۵
عملیات مرصاد	۱۱۷
دفتر سرخ	۱۲۰
روز قدس	۱۲۳
جام زهر	۱۲۸
هنگامه سفر	۱۳۱
سرو انقلاب	۱۳۵



فصل آزادگی	۱۳۷
روایت فتح	۱۴۱
جبهه سازندگی	۱۴۳
زخم شیطان	۱۴۵
فتنه ۱۳۸۸	۱۴۸
جلوه بصیرت	۱۵۱
اَیْنَ عَمَّار؟!	۱۵۴
مقاومت	۱۵۷
درخت بی ثمر	۱۶۱
من انقلابی ام	۱۶۴
مهاجران الی الله	۱۶۷
مدافعان حرم	۱۷۰
مرگ تکفیر	۱۷۴
بحرین	۱۷۷
تکیه بر خویشتن	۱۸۰
چهل بامداد	۱۸۲
گام دوم انقلاب	۱۸۵
سردار ولایت	۱۸۸
به سوی ظهور	۱۹۲
کتابنامه	۱۹۴
مسابقه فرهنگی	۲۰۳



مقدمه

تاریخ معاصر ایران، پراز اتفاقات تلخ و شیرین است. هریک از این اتفاقات، پنجره تازه‌ای را به افق‌های روشن فردای این سرزمین گشوده است و چونان پله‌ای، پرچم ایران را به اوج رسانده‌اند.

ایران معاصر، فرازوفرودهای فراوانی در راستای استقلال و بازبایی هویت ارزشمند خویش سپری کرده است. این اتفاقات در تمام شئون زندگی مردم تأثیر داشته و تغییرات محسوسی در جریان زندگی مردم گذاشته است. این تغییرات، برآیند اتفاقات و رویدادهای تلخ و شیرینی است که در تاریخ معاصر ایران روی داده است.

شعر از تجلی‌گاه‌های مهم فرهنگ یک جامعه است و بی‌تردید بسیاری از تحولات فرهنگی و اجتماعی و تاریخی هر کشور، درآینه شعر نمایان است؛ حتی برخی از رویدادهای تاریخی که در جامعه توان بازتاب نداشته، در آینه شعر، جلوه‌گر شده است. با توجه به تأثیری که تاریخ معاصر ایران بر ادبیات داشته است، می‌توان اذعان کرد در صدساله اخیر، شعر شاعران به زبان مردم نزدیک‌تر شده و عمیقاً از دربار فاصله گرفته و صمیمانه با مردم به گفت‌وگو نشسته است.

شعر معاصر، شعر مردم است. آحاد جامعه با آن ارتباطی صمیمی دارند و زبان گویای مردم ستمدیده و فریاد رسای مردم جامعه



است. هر رویداد تاریخی، تأثیری محسوس بر مفاهیم شعری دارد و جریان شعر را تغییر داده است؛ بنابراین در هر دوره تاریخی، شاهد اشعاری با مفاهیم خاص آن دوره هستیم.

در این مجموعه تلاش شده است تأثیراتی که رویدادهای مهم تاریخی بر شعر معاصر داشته است و بزنگاه‌هایی که باعث شده تا شاعران تیغ سخن از نیام بیرون کشند و شعری به شکریا شکایت بگویند، بیان شود و به تعبیری تلاش شده است بازتابی که تاریخ در سیمای شعر معاصر داشته، بررسی شود و ایستادگی غرورآمیزی که مردم ایران در برابر استبداد و استکبار داشته‌اند، به نمایش گذاشته شود. چنان که شعر معاصر، سرشار از مفاهیم آزادی خواهی و استقلال طلبی و استکبارستیزی است.

مشهد مقدس

تابستان ۱۳۹۹





آغاز بیداری

جنبش مشروطه و مشروطه‌خواهی، مجموعه کوشش‌ها و رویدادهایی است که به امضاکردن فرمان مشروطه به دست مظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ انجامید و تا دوره محمدعلی شاه قاجار برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه ادامه یافت و منتج به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب نخستین قانون اساسی ایران شد.

نوشته‌های روشن‌فکرانی مانند حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، عبدالرحیم طالبوف، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و سیدجمال‌الدین اسدآبادی، زمینه‌های مشروطه‌خواهی را فراهم آورد. نشریاتی مانند حبل‌المتین، چهره‌نما، حکمت و کمی بعد نشریه ملانصرالدین که همه در خارج از ایران منتشر می‌شدند نیز در گسترش آزادی‌خواهی و مخالفت با استبداد، نقش مهمی داشتند.^۱

تشویق مردم به وطن‌دوستی، گسترده‌ترین موضوع شعر مشروطه است که در واقع، فصل مشترک شعر مشروطه به شمار می‌رود. با وجود آنکه «وطن‌دوستی» در جامعه ایرانی و تاریخ ادبیات فارسی، سابقه‌ای طولانی دارد، در شعر مشروطه کاربرد



۱. نک: محمد مهدی شریف کاشانی، تاریخ مشروطیت، ص ۵۱ و ۵۲.



خاص یافته و به عنوان شعاری سیاسی درآمده و با تعابیر متفاوت در حوزه شعر، جای گرفته است.^۱

ای خزیده در این سرای کهن
وی دمیده چو گل درون چمن
نکته ای گویمت که گرشنوی
شادمانی به جان و زنده به تن
آدمی را چو هفت مهر به دل
نبود، کم شمار از اهریمن
مهر ناموس و زندگانی و دین
عزت و خاندان و مال و وطن
وان که بیهوده بگذراند عمر
هست نادان و ابله و کودن
وان که ایمان به دین خویش نداشت
از بدی های او مباش ایمن
وان که قدر شرف نداند، باد
دل و فقرش قبا و پیراهن



۱. نک: احمد خاتمی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، مقاله «مضامین سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطه»، ش ۱۸، ۱۳۸۰.



وان که اسراف پیشه کرد به مال
نشود شمع خانه‌اش روشن
وان که حبّ وطن نداشت به دل
مرده زان خوب‌تر به مذهب من
ای وطن! ای دلِ مرا مأوا
ای وطن! ای تنِ مرا مسکن
ای وطن! ای تو نورو ما همه چشم
ای وطن! ای تو جان و ما همه تن
ای مرا فکرت تو در خاطر
وی مرا مِتت تو بر گردن
ای تراب تو بهتر از کافور
ای نسیم تو خوش‌تر از لادن
ای فضای تو به ز باد بهار
ای هوای تو به ز مُشک ختن...
پشه با یاری تو پیل شکار
روبه از نیروی تو شیراؤژن
ای عیون کریمه را منظر
ای عظام رمیمه را مدفن
ای غزالان شوخ را گلگشت
ای درختان سبز را گلشن



نار تو خوب تر ز بُرد و سلام
خار تو تازه تر ز وُرد و سمن
با تو بر زهر، جان ما مشتاق
بی تو با نور، چشم ما دشمن
از تو گرو کنم به دار سرور
هست در دیده‌ام چو نور حزن
از هوای تو مغزم آن بشنود
که رسول خدا ز باد یمن
ای به یاد تو در سرای سپنج
ای به نام تو در جهان کهن
تخت جمشید و افسر دارا
تیغ شاپور و رایت بهمن
ای به مهر تو با هزار اسف
ای به راه تو با هزار شجن^۱
خسته در هر رهی دوصد بهرام
بسته در هر چَهِی دوصد بیژن
ای ز شاپور و اردشیر به پای
مانده آباد دشت و باغ و چمن





ای ز بهرام و یزدگرد به جای
مانده ویران دیار و رُبع و دَمَن
ای پی نرگس تو غرقه به خون
چشم اسفندیار رویین تن
ای سپرده هزاردستانت
خانه و آشیان به زاغ و زغن
ای پس از صد هزار رود و سرود
خاسته از سرای تو شیون
از هوای تو هرکه برگردد
متوسل بود به جِبْت و وَثَن^۱
وَتَنی بهترست از آن که به صدق
نپرستد تو را بسان شمن^۲
ای برادر! بتاب از آتش ما
آن دلی را که سخت تر ز آهن
گریه کن بروطن که گریه تو
چشم دل را همی کند روشن^۳

ادیب الممالک فراهانی



۱. بُت

۲. بت پرست

۳. محمدصادق ادیب الممالک فراهانی، دیوان اشعار، ص ۱ تا ۳.





شیخ فضل‌الله نوری

شیخ فضل‌الله نوری (۱۲۲۲ تا ۱۲۸۸)، از مجتهدان طراز اول تهران و از پیشرویان نهضت مشروطه ایران بود. ایشان با پشتیبانی آخوند خراسانی، اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه مبنی بر تشکیل «هیئت نظار» را به تصویب مجلس شورای ملی رساند؛ ولی به دلیل اختلاف با دیگر نمایندگان درباره برخی از اصول متمم قانون اساسی مشروطه، از مجلس کناره‌گیری کرد و با راه‌اندازی جریانی که «مشروع خواهان» نام گرفت، اعتراضات شدیدی به مشروطه خواهان و مشروطیت کرد.

شیخ فضل‌الله با مخالفان مشروطه در ماجرای به‌توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه و جمع‌آوری امضا از علما برای بازکردن مجلس، بعد از به‌توپ بستن آن و نوشتن رساله‌هایی از جمله رساله «حرمت مشروطه» همراهی کرد و مخالفت شدید مشروطه خواهان را برای خودش خرید. وی پس از دوره استبداد صغیر و فتح تهران به دست مشروطه خواهان، در دادگاه محاکمه و سرانجام اعدام شد.^۱



۱. عباس قدیانی، فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج ۲، ص ۲۸۳ و ۲۸۴.



سرود سرخ اناالحق

در آینه دوباره نمایان شد
با ابر گیسوانش در باد
باز آن سرود سرخ اناالحق
ورد زبان اوست
تو در نماز عشق چه خواندی؟
که سال هاست
بالای دار رفتی و این شحنه‌های^۱ پیر
از مرده‌ات هنوز
پرهیز می‌کنند
نام تو را به رمز
رندان سینه‌چاک نشابور
در لحظه‌های مستی
مستی و راستی
آهسته زیر لب
تکرار می‌کنند
وقتی تو
روی چوبه^۲ دارت





خמוש و مات
بودی
ما
انبوه کرکسان تماشا
باشحنه‌های مأمور
مأمورهای معذور
هم‌سان و هم‌سکوت ماندیم
خاکستر تو را
باد سحرگهان
هر جا که بُرد
مردی ز خاک رویید
در کوچه باغ‌های نشابور
مستان نیمه شب به ترنم
آوازهای سرخ تو را باز
ترجیع وار زمزمه کردند
نامت هنوز ورد زبان هاست!

محمد رضا شفیعی کدکنی







شام تاریک

بیستم آبان ماه، سالروز خاتمه جنگ جهانی اول است. این جنگ از مردادماه ۱۲۹۳ به بهانه ترور ولیعهد اتریش در سارایوو، مرکز بوسنی، آغاز شد و تا آبان ۱۲۹۷ به مدت ۵۱ ماه ادامه یافت. مستوفی الممالک، نخست وزیر وقت ایران، بلافاصله پس از آغاز جنگ، بی طرفی کامل خود را اعلام کرد؛ اما دولت های درگیر در جنگ، این بی طرفی را نادیده گرفتند و نیروهای خود را از هر سو وارد ایران کردند. روس های تزاری به فرماندهی ژنرال باراتف، از بندرانزلی تا اصفهان را میدان تاخت و تاز خود قرار دادند. عثمانی ها با حمایت آلمان، از مرزهای غرب کشور تا مرکز همدان پیش آمدند و از آنجا راهی قفقاز و مرزهای روسیه شدند. واکنش متقابل روسیه چنان عثمانی ها را به عقب راند که آذربایجان شرقی در بهمن ۱۲۹۳ به اشغال نظامیان روس درآمد.

هم زمان با این تغییر و تحول در تهران، نیروهای انگلیسی وارد جنوب شدند. با پیشروی آن ها در جنوب، ایران عملاً به اشغال قوای سه کشور بیگانه درآمد: روس ها قسمت شرقی آذربایجان و گیلان و مناطق وسیعی را که شامل قسمت اعظم استان مرکزی کنونی و قم و کاشان و نطنز و بخشی از استان اصفهان می شد، اشغال کرده بودند؛ عثمانی ها آذربایجان غربی و کردستان و کرمانشاه و همدان و بروجرد را تحت سلطه خود گرفته بودند؛ بخش مهمی از جنوب





نیز در اشغال انگلیسی‌ها بود. حکومت مرکزی نیز که فقط تهران را در اختیار داشت، عملاً تابع و مجری سیاست روس و انگلیس، یعنی متفقین آن روز بود.^۱ شعری که در ادامه می‌خوانیم، فریادی است برای بیداری مردم و هوشیاری حاکمان.

مهرگان آمده و دشت و دمن در خطر است
مرغان نوحه برآید، چمن در خطر است
چمن از غلغلۀ زاغ و زغن در خطر است
سنبل و سوسن و ریحان و سمن در خطر است
بلبل شیفته خوب سخن در خطر است
ای وطن خواهان، زنهار! وطن در خطر است
خانه‌ات یکسره ویرانه شد، ای ایرانی
مسکن لشکر بیگانه شد، ای ایرانی
عهد و پیمان تو ایفا نشد، ای ایرانی
عهد بشکستنت افسانه شد، ای ایرانی
عهد غیرت مشکن عهدشکن در خطر است
ای وطن خواهان، زنهار! وطن در خطر است



۱. نک: تورج اتابکی، ایران و جنگ جهانی اول، ترجمۀ مهدی حقیقت‌خواه، ص ۱۴۷ تا ۱۵۰.



وزرا باز نهادند ز کف کار وطن
و کلا مُهر نهادند به کام و به دهن
علما شبیه نمودند و فتادند به ظن
چیره شد کشور ایران را انبوه فتن
کشور ایران، ز انبوه فتن در خطر است
ای وطن خواهان، زنه‌ار! وطن در خطر است
کار بیچاره وطن زار شد، افسوس افسوس!
جهل ما باعث این کار شد، افسوس افسوس!
یار ما هم بر اغیار شد، افسوس افسوس!
باز ایران کهن خوار شد، افسوس افسوس!
که چنین کشور دیرین کهن در خطر است
ای وطن خواهان، زنه‌ار! وطن در خطر است
ما نگفتیم در اول که نجویم نفاق؟
یا بر آن عهد نبودیم که سازیم وفاق؟
به کجا رفت پس آن عهد و چه شد آن میثاق؟
چه شد اکنون که شما را همه برگشت مذاق؟
کس نگوید ز شما خانه من در خطر است
ای وطن خواهان، زنه‌ار! وطن در خطر است
شرط ما بود که با هم همه هم دست شویم
به وفاق و به وفا، یکسره پابست شویم



از پی نیستی از همت حق، هست شویم
نه کز اینان ز نفاق و دودلی پست شویم
که مرا خانه و ملک و سرو تن در خطر است
ای وطن خواهان، زنهار! وطن در خطر است
بذل جان در ره ناموس وطن چیزی نیست
بی وطن، خانه و ملک و سرو تن چیزی نیست
بی وطن، منطق شیرین و سخن چیزی نیست
بی وطن، جان و دل و روح و بدن چیزی نیست
بی وطن، جان و دل و روح و بدن در خطر است
ای وطن خواهان، زنهار! وطن در خطر است
در ره حفظ وطن تازید، الله الله
بیش از این فتنه میندازید، الله الله
خصم را خانه براندازید، الله الله
ای خلاق مددی سازید، الله الله
کاین مریض کسل تلخ دهن در خطر است
ای وطن خواهان، زنهار! وطن در خطر است^۱

محمدتقی بهار (ملک الشعرا)





دلیران تنگستان

رئیس علی دلواری در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در روستای دلوار از توابع تنگستان متولد شد. دلوار امروزه شهری در شهرستان تنگستان از توابع استان بوشهر است. اصالت رئیس علی دلواری به شهرستان ممسنی و ایل ممسنی برمی گردد. با شروع نهضت مشروطیت، او در حالی که ۲۴ سال بیشتر نداشت، از جمله پیشگامان مشروطه خواه در جنوب ایران شد و همکاری نزدیکی با محافل انقلابی و عناصر مشروطه طلب در بوشهر، تنگستان و دشتی آغاز کرد. وی بعد از اشغال ایران توسط قوای بیگانه، نبردی ستایشگرانه و قهرمانانه در برابر قوای انگلیسی رقم زد.

جنگ میان دلیران تنگستان به رهبری رئیس علی دلواری، در کنار سیصد تنگدار برازجانی به رهبری غضنفر السلطنه برازجانی از یک سو و نیروهای بریتانیا و خوانین متحد آنان از سوی دیگر، به طور پیاپی و پراکنده تا شهریور ۱۲۹۴ خورشیدی ادامه یافت و انگلیسی ها نتوانستند بر رئیس علی و یارانش برتری یابند. فردی نفوذی به نام غلامحسین تنگکی، رئیس علی را هنگام شبیخون به قوای بریتانیا، در محلی به نام «تنگک صفر» از پشت سر هدف گلوله قرار داد و در ۳۳ سالگی شهید کرد.^۱



۱. نک: سیدقاسم یاحسینی، رئیس علی دلواری؛ تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب، ص ۱۸۶ تا ۱۹۲.



مردی که دیروز می‌رفت تا آسمان‌ها صدایش
در موج می‌پیچد امروز پژواک فریادهایش
آن سوی پرچینِ ماندن، می‌سوخت از شوق رفتن
رفت و در این شهر پیداست، این روزها رد پایش
توفان و توفان و توفان، فریاد و فریاد و فریاد
تنها همین بود سهم دلوار و دیوارهایش
با پای تاول نصیبش، می‌رفت و با خویش می‌گفت:
یک شهر سرسبز دارد، این جاده در انتهایش
یک روز آن مرد عاشق تا انتهای خودش رفت
امروز اما همین جاست، هرچند خالی ست جایش^۱

محمد رضا احمدی فر

۱. محمد رضا احمدی فر، آوازه‌های ابری، ص ۱۴۰.





امتداد ظلم

جنگ ایران و روس، نامی است که به دو جنگ بزرگ بین ایران و روسیه تزاری در یک دوره ۲۵ ساله، در زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار داده شده است. این جنگ‌ها با شکست ایران از روسیه پایان یافت و بخش‌هایی از ایران (قفقاز و ترکمنستان امروزی) به قلمرو امپراتوری روسیه پیوست.

از پیامدهای بی‌ثباتی مُزمن سیاسی، ناامنی‌های گسترده در همه راه‌های تجاری و مواصلاتی بود. هجوم‌ها و غارت‌ها در مناطق خراسان و سمنان و مازندران به اندازه‌ای وحشت و هراس آفریده بود که بدترین نفرین بین مردم این مناطق این بود که «به اترک بیفتی» یعنی به دست راهزنان اسیر شوی. با توجه به ضعف قدرت مرکزی، راهزنان در غارت کاروان‌های بازرگانان خارجی و حتی زوَّار هم ملاحظه‌ای نداشتند، آنچه در مسیرشان قرار می‌گرفت، غارت می‌کردند. مساکن انسانی را منهدم کرده و می‌سوزاندند و کسانی را که به دفاع از خویش برمی‌خاستند، می‌کشتند یا به اسیری می‌بردند.^۱ در شعرزیر، لشکر تجاوزگر روسیه نفرین شده و پادشاهان قاجار سرزنش شده‌اند.



۱. نک: سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۱، ص ۲۴۰ تا ۲۵۲.



چه بد روزگار است این روزگار
که دورند مردم ز ناموس و عار
همه چون زنان در پی آب و رنگ
ندارند اندیشه نام و ننگ
به خواری و خردی همه آندرند
ز روس و فرنگی زبونی برند
کند بر نصاری پرستندگی
مسلمان! چه بدتر از این زندگی
کجا می برد مرد این درد را
چنین دردها می گشد مرد را
اگر شاه را عار بودی کمی
نجستی تن آسانی و خُرمی
دریغا و دردا که کیش است خوار
زیبوعاری مردم روزگار
جهان پاک بر کام اهریمن است
که با آدمی زادگان دشمن است
روا نیست آیا فرنگی و روس
بگیرند این قوم را بر فسوس
اگر من کنم درد خود آشکار
کند گریه بر روز من روزگار...



سزد گر کشم آه و آرم فسوس
برایران که ویران شد از دست روس
دل از زندگی سیر و جان شد ستوه
خدا برگند ریشه این گروه
مگر دست حق آید از آستین
جهان را کند پاک از کفر و کین...^۱

حکیم محمد هیدجی





در مسیر طوفان

در آغاز جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ۱۳۱۸، ایران بی طرفی خود را اعلام کرد؛ اما به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی و درگیری شوروی با آلمان، این بی طرفی ناپایدار بود. ارتش متفقین به بهانه حضور کارشناسان آلمانی در ایران، ایران را اشغال کرد.

به دنبال اتحاد بریتانیا و شوروی، پس از حمله آلمان نازی به شوروی و نیاز روسیه شوروی به دریافت کمک های آمریکا و بریتانیا در جبهه های نبرد، متفقین تصمیم گرفتند از «دالان پارسی» نیز استفاده کنند. به موجب آن، نیروهای متفقین در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ به ایران حمله کردند و این کشور را به اشغال خود درآوردند.

در ۳ شهریور ۱۳۲۰، ابتدا نیروهای شوروی از شمال و شرق، از زمین و هوا به ایران حمله ور شدند و سپس نیروهای بریتانیا از جنوب و غرب حمله کردند و شهرهای سر راه را یک به یک اشغال کردند و هر دو به سمت تهران حرکت کردند. ارتش ایران به سرعت متلاشی شد. رضاشاه با فشار متفقین، به خصوص بریتانیا، استعفا کرد و سپس با گذشت مدت ها کشمکش بین روس ها با دیگر کشورهای متفقین، بالاخره بر سر نوع حکومت جدید ایران و انتقال سلطنت به پسر رضاشاه (محمدرضا) که ولیعهد پیشین نیز بود، به توافق رسیدند.^۱





قیصر گرفت خطهٔ ورشو^۱ را
درهم شکست حشمت اسلو^۲ را
چیش تزار^۳ را یُرشش بگسیخت
چون داس باغبان، علف خورا
دیری نمانده کز یورشی دیگر
مُسکف^۴ ز کف گذارد مسکورا
روس آن که در لهستان چنگالش
برتافت دست چندین خسرو را
ورشو که بُد عروس لهستان گُشت
هم خوابه، آن یله شده، ورزو^۵ را
بنگر که خود چگونه از او گیهان
برتافت چنگ و بستد ورشو را



۱. ورشو پایتخت کشور لهستان است. این شهر از جمله شهرهایی است که در رویدادهای جنگ جهانی دوم به شدت آسیب دید. در پی قیام «ورشو» در سال ۱۹۴۴، به دستور آدولف هیتلر، پیشوای آلمان نازی، ارتش آلمان همه‌جانبه از زمین و هوا به ورشو حمله کرد. ۹۵ درصد این شهر با خاک یکسان شد و بیش از ۲۰۰ هزار نفر از اهالی اش کشته شدند.

۲. پایتخت کشور نروژ.

۳. «تزار» در روسیه واژه‌ای برای «پادشاه» است.

۴. مُسکف بر وزن قُنْفُذ، کنایه از نژاد اسلاو است.

۵. گاو کاری را گویند.



آنگه که از پروس^۱ سوی مغرب
قیصر فکند ولوله و غورا
بلژیک شد به خیره سپر تا آنک
پاریس شده پذیره «روا رو»^۲ را
پاریس از انگلستان یاری جُست
حق سیاست کلمانسو^۳ را
یکسو به روس گفت که هان بشکن
چون شیر شَرزه ساقه این گورا
روس از پروس شرقی پیش آمد
کرده دلیل هی هی و هوهورا
یکسو سپه کشید بریطانی
بگرفت وادی و دره و زو^۴ را
زین سو فرانس کرد به هم چیشی
تا خود که می برد ز میان دورا



۱. منطقه‌ای تاریخی در اروپای مرکزی است که از ساحل جنوب شرقی دریای بالتیک تا منطقه دریاچه‌ای مازوری امتداد داشت. این ناحیه اکنون میان لهستان و روسیه و لیتوانی تقسیم شده است.
۲. بسیاری آمدورفت مردم.
۳. رئیس‌الوزرای قدیم فرانسه و مؤسس اتفاق فرانسه و انگلیس و روس.
۴. دریا



یکسر سلاح جنگ به کف دادند
خدمتگر و ذخیره و معفورا...
امروز کافتاب جهانگیری
ز ایران دریغ دارد پرتو را
جیش تزار از چه در این کشور
بگرفته خوی مردم شب رو را
دعوت شدند گویی زی ایران
حق برکناد داعی و مدعو را^۱

محمدتقی بهار (ملک الشعرا)



۱. نک: محمدتقی بهار (ملک الشعرا بهار)، دیوان اشعار، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.



سردار جنگل

میرزا یونس، معروف به کوچک خان، در ۱۲۵۷ خورشیدی متولد شد و در سال ۱۳۰۰، یعنی ۵۷ سال پیش از انقلاب شکوهمند ایران، به شهادت رسید. مردی که علیه استعمار و استبداد به پا خاست و تفنگ و باروت را جایگزین قلم و کاغذ و کسوت روحانیت کرد و همواره نهضت امام حسین علیه السلام را بهترین سرمشق حرکت خود می دانست و سرانجام تنها و غریب و مظلومانه به شهادت رسید تا نشانی از مولای خود را با خویش داشته باشد. برای میرزا کوچک خان شعرهایی از شُعرای هم عصرش تا شعرای معاصر وجود دارد. اما اینجا به بازخوانی شعری از شاعران انقلاب می پردازیم.^۱



۱. نک: ابراهیم فخرایی، سردار جنگل.



دروست اندیشه خون بار جنگل
از پشت، خنجر می خورد سردار جنگل
بر کُنده های پیر، زخم تیر پیدا است
پوشیده از گل های خون، دیوار جنگل
در ذهن سبز شاخه ها با خون تداعی
سرهای سرداران شود بر دار جنگل
شعر بلند استقامت را سرودند
مردان سخت آواز در پیکار جنگل
بوی تر خون، کاروانِ باد آورد
از کوچه های خیسِ شالیزار جنگل
سرشار از عطرِ تربی رنگ باران
خاک و نسیم و شاخه پربار جنگل
پر می کشد تا کهکشانِ روشنایی
از کوه ظلمت، مرغ آتش خوار جنگل
در انتظار صبح پیروزی است با ما
در سنگر شب، دیده بیدار جنگل





پادشاهی نیرنگ

در ۳ اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی رضاخان میرپنج، فرمانده تیپ همدان، با همکاری سیدضیاءالدین طباطبایی، مدیر روزنامه رعد، علیه دولت سپهدار رشتی، نخست‌وزیر احمدشاه قاجار، کودتا کرد و زمینه سقوط سلسله قاجار و تأسیس حکومت پهلوی را فراهم آورد.

در اولین ساعات سپیده دم ۳ اسفند ۱۲۹۹ رضاخان همراه با نظامیان قزاق تحت فرمانش، از قزوین وارد تهران شدند. آنان بلافاصله کلاتری‌ها، وزارتخانه‌ها، پست‌خانه‌ها و ادارات دولتی و مراکز حساس تهران را به تصرف درآوردند. در منابع تاریخی آمده است که این عملیات، کودتایی بود که سفارت انگلستان هدایت آن را برعهده داشت، رضاخان عامل نظامی کودتا و سیدضیاءالدین طباطبایی عامل سیاسی آن بود.

کودتای سوم اسفند را می‌توان نقطه عطفی در روابط ایران و انگلیس دانست. با این کودتا، انگلستان موفق شد بدون حضور جدی رقیب خود، یعنی روسیه، نقش گسترده خویش را در ایران تثبیت کند. این کودتای انگلیسی با مساعدت عوامل خارجی و ایادی داخلی و دست‌نشانده‌های این حکومت به سرانجام رسید.^۱



۱. نک: باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۳.



در ادامه، ایباتی می‌خوانیم از ترجیع بند بلندی که اعمال خائنانهٔ
سلسلهٔ پهلوی را به تصویر کشیده است.

دردست کسانی ست نگهبانی ایران
کاصرار نمودند به ویرانی ایران
آن قوم، سران‌اند که زیر سر آن‌هاست
سرگشتگی و بی‌سروسامانی ایران
الحق که خطا کرده و تقصیر نمودند
این سلسله در سلسله‌جنبانی ایران
در سلطنت مطلقه چندی پدران‌شان
بردند منافع ز پریشانی ایران
نِعَمَ الْخَلَفَانِ نیز در این دورهٔ فترت
ذی‌روح شدند از جسد فانی ایران
پامال نمودند و زدودند و ستردند
آزادی ایران و مسلمانی ایران^۱

محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)



۱. محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا بهار)، دیوان اشعار، ص ۲۵۵.



کشف حجاب

واقعه کشف حجاب، سلسله وقایعی است که به دنبال تصویب قانونی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ خورشیدی در ایران رخ داد و به موجب آن، زنان و دختران ایرانی حق استفاده از چادر و روبند و روسری نداشتند. این قانون، اوج سیاست‌های رضاخان در زمینه تغییر لباس بود که از سال ۱۳۰۷ آغاز شده بود و واکنش‌هایی از جمله «قیام مسجد گوهرشاد» را در پی داشت. با درخواست علما، این قانون در سال ۱۳۲۳، در دوره حکومت محمدرضا پهلوی، لغو شد. شاعران متعهد ایرانی از دیرباز تاکنون، از شعر به عنوان ابزاری برای تحسین یا ترویج عفاف و حجاب بهره برده‌اند؛ به ویژه در دوره پهلوی به علت هجمه به حجاب، توجه شاعران به این موضوع بیش از پیش شد. آنان در اشعارشان ابعاد حجاب را یادآوری کرده‌اند تا از طریق عواطف انسانی، مخاطب را با این موضوع مهم درگیر کنند.^۱ شعر زیر در دوره پهلوی و در دفاع از حجاب سروده شده است.



۱. نک: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، سند شماره ۲، ص ۱۱، ۱۰.



اگر رقیب، دل خود ز غصه آب کند
محال آنکه توان رفیع از حجاب کند
بگو به مدعی هرگز به ادعا نرسی
بسوز! عاقبت این غم تو را کباب کند
هزار مثل تو کردند این خیال، ولی
نشد میسر ایشان که فتح باب کند
بمرد و حسرت این درد را به گور ببرد
امید آنکه نصیب تو را تراب کند
هر آن که کوشش رفع حجاب بنماید
خدای، خانه عمر و خراب کند
به اصل، منکر و در فرع، گفت و گو کردن
به مثل اوست گل اندود آفتاب کند
تو را که نیست جویی از حقایق اسلام
بگو کدام طریقت تو را حجاب کند؟...^۱

اسماعیل دهقان



۱. اسماعیل دهقان، دیوان اشعار، ص ۱۵۴.





مسجد خون

حادثهٔ مسجد گوهرشاد، در پی اعتراض به قانون تغییر لباس و اجباری شدن کلاه‌شاپو و حصر آیت‌الله سیدحسین قمی رحمته‌الله علیه و تجمع مردم مشهد در این مسجد رخ داد. این تجمع در تیرماه ۱۳۱۴ خورشیدی و در زمان حکومت پهلوی اول به وقوع پیوست. محمدمتقی بهلول رحمته‌الله علیه در جمع متحصنان سخنرانی کرد و در این حین، بین مردم و نیروهای دولتی درگیری رخ داد. این تحصن به شدت سرکوب شد. بیش از ۱۶۰۰ نفر کشته و تعدادی هم زخمی شدند. پس از این واقعه، روحانیان سرشناس مشهد دستگیر و تبعید شدند و به دستور رضا شاه، برخی از رؤسای ادارات مشهد تغییر کردند.^۱

یکایک سر شکست آن روز، اما عهد و پیمان نه
غم دین بود در اندیشهٔ مردم، غم نان نه
شبی ظلمانی و تاریک حاکم بود بر تهران
به لطف حضرت خورشید، اما بر خراسان نه
کبوترهای گوهرشاد بودیم و صدای تیر
پریشان کرد جمع یکدل ما را، پشیمان نه



۱. برای مطالعهٔ بیشتر، نک: سینا واحد، قیام گوهرشاد.



سراسر، صحن از فوج کبوترها چنان پُر شد
که چندین بار خالی شد خشاب آن روز و میدان نه
یکی فریاد می زد: شرمستان باد آی دژخیمان!
به سمت ما بیندازید تیر، اما به ایوان نه
یکی فریاد سومی داد: برپیکر سری دارم
که آن را می سپارم دست تیغ و برگریبان نه
برای او که کشتن را صلاح خویش می داند
تفاوت می کند آیا جوان یا پیر؟ چندان نه
دیانت بر سیاست چیره شد، آری جهان فهمید
رضاجان است شاه مردم ایران، رضاخان نه!
کلاه پهلوی هم کم کم افتاد از سر مردم
نرفت اما سر آن ها کلاه زورگویان، نه!
گذشت آن روزها، امروز اما بر همان عهدیم
نخواهد شد ولی این بار جمع ما پریشان، نه
به جمهوری اسلامی ایران گفته ایم: «آری»
به هرچه غیر جمهوری اسلامی ایران: «نه»
کجا دیدی که یک مظلوم تا این حد قوی باشد
اگرچه قدرت ما می شود تحریم، کتمان نه
دفاع از حرم یعنی قرار جنگ اگر باشد
زمین کارزار ما «تلاویو» است، «تهران» نه!



مرد بیدار

آیت‌الله سیدحسن مدرس (۱۲۴۹ تا ۱۳۱۶ ش) فقیه و سیاست‌مدار شیعی، از علمای اصفهان در دوران مشروطه بود که از مشروطه‌خواهان حمایت کرد. وی در دوره دوم مجلس، از طرف فقها به عنوان یکی از مجتهدانی تعیین شد که طبق قانون اساسی مشروطه، می‌بایست بر هماهنگی مصوبات مجلس با شرع اسلام نظارت کند. او از دوره سوم تا دوره ششم نیز برای چهار دوره نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی بود. سیدحسن مدرس با اقدامات رضاخان مخالفت می‌کرد. رضاخان او را به کاشمر تبعید کرد و در دهم آذر ۱۳۱۶ به شهادت رساند.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: سیدصدرالدین طاهری، ستاره مجلس.



یگانه سید عالی نسب که در آفواه
مُدرّش لقب و نام نیک بود حَسَن
گذشت از سر دنیا و پافشاری کرد
ز شاه راه شریعت به آب و خاک وطن
چو ماند مدتی آن مرغ بال و پر بسته
به آشیانه مُقید، چو جان به قالب تن
ز آشیانه به منقار خود کشید و بُرد
به آن دیار که بود از ازل وُرا مدفن
به خود ببال آیا خاک کاشمر از آنک
نهان به خاک تو شد زاده رسولِ رَمَن
تویی همان بلد طیبی که جز طیب
به کس نداد پناه و نشد به کس مسکن^۱

محمدتقی بهار (ملک الشعرا)



۱. محمدتقی بهار، مجله پاسدار اسلام، ش ۱۶۹، ص ۴.





دست نشانده

در سال ۱۳۲۰، نیروهای آمریکا و شوروی و بریتانیا، ایران را اشغال کردند. انگلستان رضا شاه پهلوی را از سلطنت برکنار و به جزیرهٔ موریس و سپس به آفریقای جنوبی تبعید کرد. بریتانیا ابتدا قصد داشت پسر محمدحسن میرزا، نوهٔ محمدعلی شاه قاجار را که در انگلستان زندگی می‌کرد و افسر نیروی دریایی پادشاهی بریتانیا بود، جانشین رضاشاه کند؛ ولی وقتی معلوم شد که او فارسی نمی‌داند، با توافق شوروی، محمدرضا پهلوی را به جای پدرش، رضا شاه پهلوی، به سلطنت برگزیدند. محمدعلی فروغی، آخرین نخست‌وزیر رضا شاه، نخستین نخست‌وزیر محمدرضا شاه شد و نقش مهمی در انتقال سلطنت به او برعهده داشت.

کم‌کم ظلم و ستم محمدرضا پهلوی آشکار شد و دامن جامعه را فراگرفت و خفقان حاکم بر آن روزگار، توان انتقاد آشکار را از جامعه ستاند؛^۱ بنابراین نارضایتی مردم از وضعیت حاکم بر جامعهٔ آن روز، در قامت طنزهای تلخ نمود پیدا کرد.

فاش می‌گویم و از گفتهٔ خود دل شادم
بندهٔ کارترم و هرچه کنم آزادم
ثروت مملکت از ماست به هر جا برسد
گویا ارث رسیده به من از اجدادم





دَمِ مزن ملت اگر نفت تو دادم بر باد
ز آن که گر من ندهم، او بدهد بر باد
داد و فریاد مکن، ز آن که مرا باکی نیست
به فلک گر برود داد تو از بیدادم
مملکت از ستم من، تو بگو ویران باش
ز آن که من شاد در این کاخ ستم آبادم
نیست در لوح دلم جز الف استبداد
چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم
ایستادم چو اجل بر سر مردم، مغرور
دست بر سینه اگر بر در غیر استادم
هر که از حق بزند دم بکنم بنیادش
گرچه دانم که حق آخر بکند بنیادم
پایه سلطنتم بر سر مردم باشد
پس عجب نیست گراز محنت مردم شادم
ساغر از خون دل خلق مدام است مرا
هم از این باده بود گر که چنین پُربادم
عاری از مهرم و آری، تو ز من مهر مجو
آریا مهر اگر نام به خود بنهادم
نسبت من تو به فرعون و به شَداد مکن
صد چو فرعونم و جلادتر از شَدادم...





خیزش

تظاهرات ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، مجموعه وقایعی است که به دنبال بازداشت امام خمینی رحمته الله علیه در انتقاد به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید رخ داد. تظاهرات در تهران و قم علیه دولت اسدالله علم برگزار شد و به زدوخورد بین مأموران شهربانی و تظاهرکنندگان انجامید. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقطه عطفی در آغاز انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که به شکل‌گیری انقلاب اسلامی علیه طاغوت انجامید.

با وقوع این قیام، بسیاری از شاعران با فریاد دادخواهی به طرف‌داری از اهداف و آرمان‌های امام خمینی رحمته الله علیه به مبارزه با سلطنت منغورپهلوی پرداختند. این خیزش ادبی تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ و روزهای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران تداوم یافت.^۱

«عاشوراآفرین قرن» قصیده بلند و زیبایی است که با ترسیم اوضاع خفقان‌آور سیاسی و اجتماعی آن روزگار، به مدح امام خمینی رحمته الله علیه پرداخته است.



۱. نک: جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۷۴ تا ۳۸۵.



خون شفق، دوباره سراز بی کران کشید
گردون، لوی خون به فراز زمان کشید
شد منفجر ز سینه آفاق، خون حق
وز رمز انقلاب، خط ارغوان کشید
خونین نگاره گشت افق تا افق ز خون
رنگ شفق، صلاهی جهادآوران کشید
روح زمانه خسته شد از سستی و سکوت
ناگه ز دل، خروش چو کوه گران کشید
افسرده بود همت مردان حق و باز
مردانه همتی همه را در میان کشید
این گله را که گرگ ز هر سو ربوده بود
در خط احتفاظ، خروش شبان کشید
آن آتش نهفته به چندین هزار نسل
زد بازپس شراره و تا آسمان کشید
دین خدا، دوباره به سرلوحه زمان
خود را به دوش همت آن قهرمان کشید
ای پیشوای شیعه که تاریخ ما ز تو
از افتخار، پا به سر کهکشان کشید
«قم» را شکوه نهضت تو در همه جهان
اندر شمار مکتب آزادگان کشید



«قم» جای درس بود و سکوتی خمودگون
وینک حماسه اش ز تو تا هر کران کشید
ای پیشوای خلق که تاریخ انقلاب
نقش تو را به طاق بلند زمان کشید
خورشیدسان، خروش تو از مرز خاوران
تا دورتر، کرانه غرب جهان کشید
ای قرن ها حماسه و ای سال ها خروش!
ای کز تو انقلاب سوی جاودان کشید
نام تو زنده است که خود دست روزگار
نام تو را چو خور، به سر خاوران کشید
اسلام زنده گشت ز شور قیام تو
فریادها به راه تو نسل جوان کشید
این خائن چو دین و وطن را فروختند
زین ره، خمینی از دل و از جان فغان کشید
چونان حسین، در پی یاری حق و عدل
جان را به کف نهاد و به میدان عنان کشید
هر دوره ای، ز آل علی، مشعلی به پاست
این شعله، جاودانه بماند که از خداست^۱

محمد رضا حکیمی





شهر بیدار

تظاهرات ۱۹ دی ۱۳۵۶ شهر قم که در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «قیام خونین مردم قم» شناخته می‌شود، شامل چند روز تظاهرات اعتراضی به چاپ مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات است که نقطه اوج آن در ۱۹ دی بود. این تظاهرات را بسیاری سرآغاز اعتراضاتی می‌دانند که در بهمن ۱۳۵۷ به سرنگونی نظام پهلوی و پایان سلطنت در ایران انجامید. ۱۹ دی روزی است که در تاریکی استبداد و ستم، روزنه‌ها را به سوی روشنایی گشود و روند انقلاب را به گونه‌ای شکل داد که طومار دوهزاروپانصدساله نظام شاهنشاهی در مدت زمان کوتاهی درهم پیچیده شود.^۱

شعر بلندی که در ادامه ابیاتی از آن را می‌خوانیم، در وصف این قیام سروده شده و در تهییج مردم، تأثیر فراوانی داشته است.



۱. نک: ابراهیم طالبی دارابی، جایگاه قیام ۹۱ دی در انقلاب اسلامی، ص ۲۴ تا ۳۰.



ز هر سو انفجار آید
صدای انزجار آید
خزان رفت و بهار آید
هدف نزدیک می‌گردد
تنور خشم این ملت
طنین لعنت و نفرت
گرفته اوج و هم وسعت
هدف نزدیک می‌گردد
ز «قم» آغاز شد طوفان
گند تا شاه را بنیان
شود آسوده تا ایران
هدف نزدیک می‌گردد
شعار مسجد اعظم
بود هر زخم را مرهم
زند کاخ ستم بر هم
هدف نزدیک می‌گردد
روان شد جوی خون در قم
به ناحق کشته شد مردم
ولی خون‌ها نگردد گم
هدف نزدیک می‌گردد



همه کشور تلاطم شد
به پشتیبانی از قم شد
به فکریک تهاجم شد
هدف نزدیک می گردد
قیام یزد خونین بود
برای یاری دین بود
بسی شایان تحسین بود
هدف نزدیک می گردد...^۱

آیت الله حسین نوری همدانی



جمعه سیاه



«جمعه سیاه» که در برخی منابع از آن با عنوان «کشتار ۱۷ شهریور» نیز یاد می‌شود، تظاهرات انقلابیون در محلات جنوبی، خیابان ژاله (خیابان مجاهدین اسلام کنونی) و میدان ژاله (میدان شهدای کنونی) در تهران بود. نیروهای نظامی ارتش شاهنشاهی تظاهرکنندگان را سرکوب کردند.

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ اغلب به عنوان پایان کار دودمان پهلوی ایران در نظر گرفته می‌شود که هرگونه امید به مصالحه میان انقلابیون و سلطنت‌طلبان را از میان برد.^۱

تاریخ سرخ هفده شهریور

آن روز، روز جمعه خونین بود
روزی که شهر، یکسره آتش شد
تاریخ سرخ هفده شهریور...
در ذهن روزگار، مشوش شد
خون می‌چکید از در و از دیوار
یک جمعه سیاه و پراز نفرت
از لابه لای فاجعه و آتش
تاریخ می‌نوشت همه حیرت



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: تصمیم شوم جمعه خونین، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



با هر گلوله گُل به زمین می ریخت
یعنی گلوله ها به هدف خوردند
بی شک هوا هوای شهادت بود...
گل ها که با گلوله نمی مردند!
آن شب وطن، سیاه به تن کرد و
مادر در انتظار پسر دق کرد
شهری که در عزای عزیزان بود
تا وقت صبح یکسره حق حق کرد
میدان «ژاله» یک شبه مادر شد
یک دشت غرق لاله به بار آورد
وقتی که نام او «شهда» می شد...
بغضی هزارساله به بار آورد
آن جمعه سیاه مصیبت بار
آغاز روشنائی فردا شد...
خورشید انقلاب بزرگ قرن
از پشت کوه حادثه پیدا شد
تاریخ سرخ هفده شهریور
درهم شکست سلطه شیطان را
خون آمد و دوباره محقق کرد...
آن وعده های صادق قرآن را







بیداد

سازمان اطلاعات و امنیت کشور مشهور به «ساواک»، از اسفند ۱۳۳۵ تا بهمن ۱۳۵۷ سازمان اصلی امنیت داخلی و اطلاعات خارجی ایران در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی بود که در طی دورانی از جنگ سرد، به مدت ۲۲ سال، نبض امنیت داخلی و اطلاعات خارجی ایران را در دست داشت. ساواک در کنار مبارزه با فعالیت‌های جاسوسی و نفوذی خارجی، در سرکوب مخالفان سلطنت پهلوی نیز نقش گسترده‌ای داشت.

از شیوه‌های جاری شکنجه روحی‌روانی در کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک و شهربانی، پخش نوارهای مختلف موسیقی، صدای آژیر و ناله و فریاد و تیراندازی و... در سلول بوده است. این نوارها را معمولاً از ساعت ۷ شب تا ۵ صبح با صدای بلند پخش می‌کردند تا زندانی آرامش خود را از دست بدهد.

یکی دیگر از شیوه‌های بسیار قدیمی شکنجه، کشیدن ناخن‌های دست و پای مبارزان با انبردست یا گازانبر بود. درد، اغلب موجب بیهوشی مبارز می‌شد و بیشتر اوقات محل زخم عفونت می‌کرد.

ساختمان این کمیته در تهران، در محدوده خیابان امام خمینی کنونی قرار دارد که توسط آلمانی‌ها با طراحی خاصی ساخته شده است. امروزه این ساختمان «موزه عبرت» نام دارد و سالانه پذیرای هزاران گردشگر از سراسر ایران و جهان است تا بخشی از روایت



تاریخ معاصر را در فضایی واقعی مشاهده کنند.^۱

زمان اینجا پر است از خاطرات تلخ عاشق‌ها
زمین فرش است با گلبرگ خونین شقایق‌ها
صدای هر قدم انگار با صد آه می‌آید
کنار هر کسی یاد شهیدی راه می‌آید
غم دیروز عبرتگاه، در امروز می‌پیچد
میان راهروها، ناله‌ای جان‌سوز می‌پیچد
دل هر آجری شاید به یاد دختری باشد
در اینجا کنج هر سلول، شاید مادری باشد
هنوز از نرده‌ها رد می‌شود رؤیای آزادی
در اینجا می‌رسد هر قطره تا دریای آزادی
در آن ظلمت‌سرا، گم شد نشان ایل کافرها
زمستان شد اسیر مهر این خورشیدباورها
پس از آن روسیاهی ماند بر رؤیای خفاشان
که با خورشید اینجا نیست دیگر جای خفاشان
کنون ما مانده‌ایم و دین این مردان آزادی
بنا کردند در تاریخ ما ایران آزادی

محمد بختیاری



۱. نک: فاطمه جلال‌وند، آن روزهای نامهربان، ص ۹۴.



سفر بی بازگشت

۲۶ دی ۱۳۵۷، سالروز فرار تاریخی شاه مخلوع ایران است. کمتر از یک ماه بعد از فرار شاه، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. هم‌زمان با فرار شاه، مردم در سراسر ایران به خیابان‌ها آمدند و با پخش شیرینی، این رویداد مهم تاریخی را جشن گرفتند. فرار شاه نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود.^۱ این رویداد در سیمای ادبیات، بازتاب‌های متفاوتی پیدا کرد.

صدای «مرگ بر شاه ستمکار»
به اوج آسمان‌ها رفت آن روز
میان کوچه‌های شهر پیچید
صدای بانگ صدها دانش‌آموز
گره شد مشت‌های نوجوانان
خیابان‌ها همه پر شد ز فریاد
ز فریادی که سردادند آن‌ها
به جان «شاه خائن» لرزه افتاد



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: گذرستان (نشریه الکترونیکی تاریخ سیاسی معاصر ایران)، ش ۴۶، ویژه‌نامه «فرار شاه».



مسلسل‌ها به کار افتاد ناگاه
به‌سوی عاشقان راه قرآن
صدای تیرها پیچید و گم شد
صدای کودکان و نوجوانان
زمین و آسمان گویی که لرزید
ز خون سرخ صدها دانش‌آموز
زمین شد لاله‌زار و آسمان صاف
تو گویی شد بهاری شاد و پیروز
بهار آمد میان فصل پاییز
بهار نهضت سرخ حسینی
بهاری که در آن فریاد کردیم
همه با هم «خدا، قرآن، خمینی»^۱

جعفر ابراهیمی (شاهد)



۱. جعفر ابراهیمی (شاهد)، گل‌های خنده، ص. ۲۶.



امام آمد

سخنرانی امام در فرودگاه

یا نکتۀ اینده اکبر
و خمینی امامیست
فرودگاه را باز زود آورد

اطلاعات

آخرین پیام امام
خمینی در یازس

بخش
مستقیم
تلویزیون
بعثت حضور
ماموران
قطع شد

امام خوش آمدی

در داخل هوا ایستاد یازس
تاهران چه گذشت



میرزا محمد
امامی راجی

مستقیم ایستادگی
ارژندگی
و مبارز است امام

مستقیم ایستادگی
ارژندگی
و مبارز است امام





طلیعه فجر

امام خمینی رحمۃ الله علیه در دوازدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ وارد ایران شد. ایشان پس از پانزده سال دوری از وطن، در میان استقبال پرشور و سراسر احساسات جمعیتی متجاوز از سه میلیون نفر به دریای خروشان ملت در انتظار خویش پیوست و بدین ترتیب روح به کالبد مضطرب ملت بازگشت تا آرامش در جان‌ها بیتوته کند. سپس همراه با موج جمعیت، به سمت بهشت زهرا علیها السلام رفت.

این روز در تقویم رسمی ایران با عنوان آغازین روز دهه فجر، مشخص شده است.^۱



روزهای ورود امام خمینی رحمۃ الله علیه

خوش آمدی به وطن ای مجاهد، ای رهبر!
گران مبادت بر جان خسته رنج سفر
خوش آمدی که به سوغات دوستان داری
ز استواری ایمان، نوید فتح و ظفر...
خوش آمدی پی تمجید امتی که ز عشق
به پیش ناوک دلدوز، سینه کرد سپر



۱. نک: رنجبر علی کرمانی، روزشمار زندگی امام خمینی رحمۃ الله علیه.



خوش آمدی پی تحسین مردمی که کنون
به پای خاسته بر محو ظلم و فتنه و شر
خوش آمدی پی تعظیم مردمی که گرفت
زمام از کف اهریمنان بدگوهر
خوش آمدی پی تعلیم امتی که ز جان
تو را شناسد، تنها تو را تو را رهبر
خوش آمدی و نکو آمدی که تا بینی
قیام تودهٔ جان برکف اندر این کشور...
جماعتی بنگر استوار در ره حق
بسان کوه، سرافراز و آهنین پیکر
به گاه خیزش، چونان که موج از دریا
به گاه غرش، چونان که در فضا تندر...
به تندخیزی، چون گردباد در هامون
به سخت کوشی، چون رودباد در گردِ ۱
دمنده هرجا چونان که خشمگین ضیغم^۲
جهنده هر سو چونان که سهمگین اژدر...
ندیده هرگز چشم زمان چنین پیکار
نخوانده هیچ کس این گونه رزم در دفتر...



۱. گردَر: زمین سخت دامن کوه را گویند.

۲. ضیغم: شیر بیشه.



ز یک طرف همه اهریمنانِ غرق سلاح
ز یک طرف همه پاگان بی سلیح و سپر
ز یک طرف خمپاره و مسلسل و تانک
ز یک طرف همه دل‌های عاطفت‌پرور
ز یک طرف همه سالوس و حيله و ترفند
ز یک طرف همه ایمان و عزم و همت و فر
ز یک طرف همه جهل و فساد و قهر و غرور
ز یک طرف همه عرفان و فضل و علم و هنر
ز یک طرف همه نابخردان دیوآیین
ز یک طرف همه آزادگان دانشور
ز یک طرف همه کفر و ز یک طرف اسلام
ز یک طرف همه حنظل، ز یک طرف شکر
بیا فضیحت اشرار بین در این میدان
بیا فضیلت احرار بین در این سنگر
خلل فتاد به کاخی که دیو می‌پنداشت
که بارگاه خدا راست همسر و هم‌بر...
تویی تو موجد این انقلاب در ایران
تویی تو مایهٔ این اتفاق در خاور...
تویی که لرزه‌فکندی به کاخ استعمار
تویی که شعله‌فکندی به جان مستکبر
تویی که عزم تو برگند بیخ ظلم از ملک
چنان که دست علی در ز قلعهٔ خیبر



همه زعامت زبید تو را در این دوران
همه امامت شاید تو را در این کشور
همه به حکم تو گردن نهاده ایم همه
تو امر کن که به امر توایم فرمان بر
تمام ایران آغوش شد که تا گیرد
تو را چو جان به بر، ای رهبر ز جان بهتر...
تمام ملت شد گوش تا مگر شنود
پیام روح فزای تو از بر منبر...
الا خمینی، ای نایب امام زمان
الا خمینی، ای رهبر خردپرور
بریز در خط اسلام، طرح جمهوری
که مسلمیم و به «ام الکتاب» مستظهر...
در این مجاهده بادا خدا تو را همراه
در این مبارزه بادا خدا تو را یاور
تو را درود که شایسته درود تویی
تو را سلام که اسلام را تویی یاور
«حمید» تا که ثنای تو بر زبان دارد
سزد که سربفرزد ز فخر بر اختر



صبح آزادی

امام خمینی رحمته الله علیه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، پس از ۱۵ سال تبعید، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و وارد تهران شد. مردم در سراسر ایران قیام کردند و پس از ۱۰ روز با اعلام بی‌طرفی ارتش و حضور بی‌نظیر مردم در حمایت از امام خمینی رحمته الله علیه انقلاب اسلامی ایران در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید.

در این روز، زندان اوین، وزارت امور خارجه، نیروهای امنیتی، نیروی دریایی سلطنتی، مجلس، شورای دفاع ملی، پلیس، ژاندارمری و کمیته مشترک ضدخرابکاری به مردم منتقل شدند. با دستگیری ژنرال رحیمی، فرمانده ارتش در تهران، سلاح‌ها به دست انقلابیون افتاد. انقلاب اسلامی ایران با مشارکت گروه‌های مختلف مردم ایجاد شد و سلسله پهلوی رسماً پایان یافت و در نهایت، موقعیت برای تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه آماده شد.^۱

۲۲ بهمن یادآور یکی از رخدادهای بزرگ تاریخی ملت ایران است و این روز به روزی فراموش‌ناشدنی و بزرگ برای ایرانیان تبدیل شده است.



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: علی رنجبر کرمانی، روزشمار زندگی امام خمینی رحمته الله علیه.



تیغ ظفر

نشان ز تیغ ظفر آفرین بهمن داشت
شبی که خونِ همه اختران به گردن داشت
ندیده بود کسی، وین شگفت ما دیدیم
شکوه فصل بهاران که ماه بهمن داشت
کلیم معجزه از راه دور می آمد
خبر ز وادی طور و دیار ایمن داشت
بر اوج شهر خطر می گذشت و گاه عبور
به دل نه واهمه از جان، نه خوف دشمن داشت
دمیده بود به گلزار شهر ما گل سرخ
ولیک باد خزان طبع گل پراکن داشت
هنوز چشم سحر بود بر دریچه صبح
شب آن لباس سیاه را هنوز بر تن داشت
نداشت تاب ستیز و نداشت پای گریز
اگرچه دیو ستمکاره عزم رفتن داشت
در این میانه که بلبل در انتظار بهار
گهی فغان و گهی نغمه، گاه شیون داشت
شکست شیشه صبر شب سیاه سکوت
سحر به ضربه سنگی که در فلاخن داشت



ز قاف عشق، پدیدار آمد آن خورشید
که در ضمیر، هزاران چراغ روشن داشت
شفق در آینه روی او نمایان بود
به گرد مهر رخ از آفتاب، خرمن داشت
ز آسمان نگاهش، ستاره جاری بود
به سوگواری گل، ژاله‌ها به دامن داشت
پیام داشت ز قرآن، نوید داشت ز فجر
ز عشق سرخ حسینی خطی معین داشت
رُخش به هور و کلامش به نور می‌مانست
ز مهر و لطف و محبت، دلی مزین داشت
بهار آمد و بر شاخه‌ها جوانه دمید
در این سرا که به باغش خزان نشیمن داشت
بگو به خصم که از دیرگاه دور زمان
همای عشق بدین آشیانه مأمّن داشت^۱

سیمین دخت وحیدی



۱. رجب بذرافشان، گزیده اشعار دربارهٔ انقلاب اسلامی، ص ۲۹۷ و ۲۹۸.





نبرد با شیطان

در ابتدای انقلاب اسلامی، ۱۳ آبان ۱۳۵۸، زمان دولت موقت، با هدف وادارکردن آمریکا به استرداد شاه و اموال ملت ایران، دانشجویان تصمیم به اشغال سفارت آمریکا گرفتند. دانشجویان از دانشگاه‌های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف، شهید بهشتی و... گرد هم آمدند و بعد از راهپیمایی تا سفارت آمریکا، از دیوارهای سفارت بالا رفته و با وجود مقاومت محافظان و آمریکایی‌ها، سفارت را تصرف کردند.

در هنگام تسخیر سفارت، آمریکایی‌ها به سرعت مشغول نابودکردن بسیاری از اسناد دخالت‌ها و تجاوزها و غارت‌های خود شدند؛ ولی پس از تسخیر سفارت، به سرعت از نابودی باقی‌مانده اسناد جلوگیری شد. به محض انتشار این خبر، مردم بسیاری با خشم و انزجار، مقابل لانه جاسوسی تجمع کرده و از حرکت دانشجویان حمایت کردند. امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ نیز در پیامی این حرکت را انقلاب دوم و بزرگ‌تر از انقلاب اول نامیدند و این‌گونه روز ۱۳ آبان برای همیشه در تاریخ ایران ماندگار شد. بعدها اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا به دست آمده بود، چاپ شد و در اختیار همگان قرار گرفت.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: حسن خداوردی، روابط ایران و آمریکا، از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی.





این کربلای یک است
و کربلای تازه ما از فردا شروع می شود
و خاک ریز همان حیات باغ سفارت است
جنگ جنوب را
همین سفارت به راه انداخت
و چندی پیش
آن همه درخت را دار زدند
شهید «همت» بالا پرید از دیوار سفارت
شهید «تهرانی مقدم»
در صف مقدم این جنگ است
یا کافی المهمات!
مهمات کم داریم
تنها «امن یجیب» بخوان و نترس
زیارت عاشورا بخوان و با او باش
و فکر نکن به بدمست ها
که قی می کنند هر شب
در صفحه های فیس بوک
یا کافی المهمات!
این کربلای چندم ما بود؟
و کربلای دیگر ما دیروز بود



در اجتماع فتنه‌گران در اینترنت
بنا نیست کربلا تمام شود
که در حیا ط سفارت هر روز تعزیه ست
دوربین‌ها و جاسوس‌ها دیروز آمدند
آن‌ها هر روز با هیئتی تازه از راه می‌رسند...
حتی تیری که خورد به پای «ستارخان»
از سفارت انگلیس شلیک شد
و پارچه‌ای که با آن «مدرس» را کشتند
ملحفه شخصی سفیر انگلیس بود
اینجا همیشه دیگ سفارت می‌جوشید
و رقاصه‌ها می‌رقصیدند
فرقی نمی‌کند زن یا مرد...
در خواب لحظه‌ای
برادرم قیصر را دیدم
از دیوار سفارت بالا می‌رفت
ایستاده بود و فرمان می‌داد
و شاعران که سفارت را اشغال کردند
و میرزاده عشقی
و شهریار و بچه‌های لشکر عاشورای شعر
سفارت را شعر اشغال کرد



وگر نه آن‌ها
با قطعنامه‌ای تمام درخت‌ها را قطع می‌کردند
درخت‌ها همین انسان‌ها
که ریشه کرده‌اند در وال استریت^۱
و یزید همین مجسمهٔ آزادی ست
همین آدم‌ها
که نفّسشان بند است به قطعنامه‌ها
به جای شُش
قطعنامه دارند در سینه‌هایشان
با هر نفس، قطعنامه‌ای سمی صادر می‌کنند
برای زنده و مردهٔ ما قطعنامه دارند
این‌ها به هیچ کس رحم نمی‌کنند
این‌ها یک در صدند
با دویست و بیست بی‌بی سی...
بی‌بی سی تا هنوز
ارگان نوکران سفارتخانه است
ارگان شاه باجی‌ها
می‌گویی نه



۱. وال استریت: خیابان معروفی در محلهٔ منهتن نیویورک در ایالات متحدهٔ آمریکا است.



نگاه کن که هنوز
چیزی نمی نویسد از الان
و از کسانی که به نیابت از ما
به خیابان آمده اند
در تظاهرات بزرگ لندن فریاد می زنند
این ها به هیچ کس رحم نمی کنند
حتی به مردم خودشان
حتی به اعتبار این مجسمه بدبخت آزادی
و بچه ها از خواندن نماز شکر می آیند
می گویند:
شکر خدا
فتنه گران یتیم شدند!
و کربلا از فردا
شلوغ تر خواهد شد.

علیرضا قزوه



دست خدا

عملیات طبس با نام «عملیات پنجه عقاب» در ارتش آمریکا، عملیاتی نظامی در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ بود که نیروی «دلتا» برای آزادسازی آمریکایی‌های گروگان‌گرفته‌شده توسط دانشجویان پیرو خط امام رحمته الله علیه در تهران انجام داد. در پی ناکامی دولت ایالات متحده آمریکا در اعمال فشار سیاسی و اقتصادی برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در تهران که در ماجرای تصرف سفارت آمریکا بازداشت شده بودند، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، دستور انجام عملیات آزادسازی را صادر کرد.

۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ شش هواپیما و هشت بالگرد آمریکایی برای آزادی ۵۳ گروگان در تهران وارد فضای پروازی ایران شدند. در هنگام اجرای عملیات، با ورود به حریم هوایی ایران، یکی از بالگردها در ۱۲۰ کیلومتری راور کرمان دچار نقص فنی شد و به اجبار فرود آمد و سرنشینان آن به بالگردی دیگر منتقل شدند. آن بالگرد نیز دچار نقص فنی شد و به ناچار به ناو هواپیمابر بازگشت. ۶ هواپیما و ۶ بالگرد دیگر، خود را به طبس رساندند و در تاریکی شب، در منطقه‌ای دورافتاده، بدون متوجه شدن نیروهای نظامی ایرانی فرود آمدند. در حین سوخت‌گیری، یکی دیگر از بالگردها، دچار نقص فنی شد. در مجموع در حالی که هنوز عملیات آغاز نشده، ۳ فروند بالگرد از دست رفته بود.



پس از تماس با مرکز عملیات، کارتر به نیروها دستور بازگشت داد. در هنگام برخاستن هواپیماها و بالگردها، طوفان شن آغاز شد و یک هواپیمای سی ۱۳۰ و یک بالگرد سی اچ ۵۳ به یکدیگر برخوردند و هر دو آتش گرفتند. در این حادثه ۸ نفر از نیروهای آمریکایی در آتش سوختند و ۴ بالگرد هم روی زمین باقی ماند. نیروها با ۵ هواپیما خود را به ناو هواپیمابر رساندند و عملیات به طور کامل شکست خورد.^۱

دست خدا در کار بود آن شب
 باد از یسار، ابراز یمین آمد
 طوفان به پا شد، خاک وقتی با
 دست خدا در آستین آمد
 کرکس به دامان هوس افتاد
 در چنگ طوفان طبس افتاد
 روح خدا قرآن گشود و باز
 ﴿وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ آمد

علی فردوسی



۱. نک: غلامرضا خارکوهی، انقلاب اسلامی به روایتی دیگر، ص ۱۳۰ تا ۱۳۵.



معلم شهید



مرتضی مطهری (۱۲۹۸ تا ۱۳۵۸)، مشهور به «شهید مطهری» و «استاد مطهری»، متفکر و نویسنده شیعه در قرن ۱۴ و از شاگردان علامه طباطبائی رحمته الله علیه و امام خمینی رحمته الله علیه بود. او یکی از روحانیان مؤثر معاصر در تفسیر آموزه‌های اسلام مطابق با نیاز روز محسوب می‌شود. پیش از انقلاب اسلامی، مبارزات فکری شهید مطهری در مقابله با جریانات فکری مارکسیستی در ایران، نقش درخور توجهی در رویگردانی جوانان از این تفکرات داشت. او از بنیان‌گذاران حسینیۀ ارشاد است. روزآمدسازی و تبیین آموزه‌های اسلام و تشیع، ویژگی فعالیت‌های فکری استاد مطهری است. ایشان آموزه‌های اسلامی را که قبلاً در قالب بیاناتی پیچیده ارائه می‌شد، به سبک ویژه خود، به صورت آسان و با زبان روز در اختیار مخاطبان قرار می‌داد. کتاب‌های او در موضوعات مختلف دینی، بارها به زبان‌های مختلف منتشر شده است. استاد مطهری از افراد تأثیرگذار و رهبران فکری انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود. وی ریاست شورای انقلاب را تا روز شهادت بر عهده داشت.

شهید مرتضی مطهری در شامگاه سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ پس از پایان جلسه‌ای در منزل یدالله سحابی، به همراه گروهی از رجال سیاسی انقلابی، هنگام خروج از محل جلسه، در کوچه پارك «امین‌الدوله»، هدف گلوله یکی از افراد گروه «فرقان» قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت. سالروز شهادت استاد



مرتضی مطهری رحمۃ اللہ علیہ، در ایران «روز معلم» خوانده شده است.^۱

حکمت حکایتی ز لب دلربای توست
 جان کلام در سخن جان‌فزای توست
 اشراق اگر به مدرسه نوری فکنده است
 آن نور، نور شعله‌ور چشم‌های توست
 دست شفا نجات نبخشد به درد و رنج
 داروی درد عشق، به دارالشفای توست
 حاجت به فهم شرح اشارات شیخ نیست
 تا چشم ما به چشم اشارت‌نمای توست
 با عقل سرخ، هستی و مستی به هم نساخت
 خون جای باده قسمت جام بلای توست
 «یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب»
 کز هر زبان که می‌شنوم، ماجرای توست
 «عادل» بگو چگونه دم از عشق می‌زنی
 آنجا که آفتاب برآید، نه جای توست^۲

غلامعلی حداد عادل



۱. نک: سیری در زندگانی استاد مطهری، ص ۵۰ و ۵۱.
 ۲. سایت تاریخ ایران، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹: <http://tarikhirani.ir>

شهید مظلوم



سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷ تا ۱۳۶۰) از روحانیان مؤثر در انقلاب اسلامی ایران بود. شهید بهشتی در حوزه علمیه قم، شاگرد علمایی مانند آیت الله بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و علامه طباطبایی (رحمة الله علیهم) بود. وی از معدود روحانیان تحصیل کرده دانشگاهی و آشنا به زبان های انگلیسی و آلمانی بود. او از بنیان گذاران و استادان مدرسه علمیه حقانی است که دروس دینی را به روش های جدیدتر آموزش می داد و دبیرستان دین و دانش را نیز با هدف تقویت علمی جوانان مذهبی تأسیس کرد.

آیت الله بهشتی از مخالفان سلطنت پهلوی بود و علیه آن مبارزه سیاسی می کرد؛ به همین دلیل مدتی از ایران خارج شد و در مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان فعالیت کرد. در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و روی فعالیت های فرهنگی از جمله تدوین کتب درسی دانش آموزان متمرکز شد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبر انقلاب او را به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب انتخاب کرد و بعد از پیروزی نیز از مؤثرترین افراد در تنظیم قانون اساسی بود و به عنوان نخستین رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران، فعالیت خود را آغاز کرد.

بهشتی بعد از تشکیل جامعه روحانیت مبارز تهران، با همکاری دوستانش حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داد و نخستین دبیرکل آن شد. او سرانجام در دفتر مرکزی همان حزب و در یک عملیات



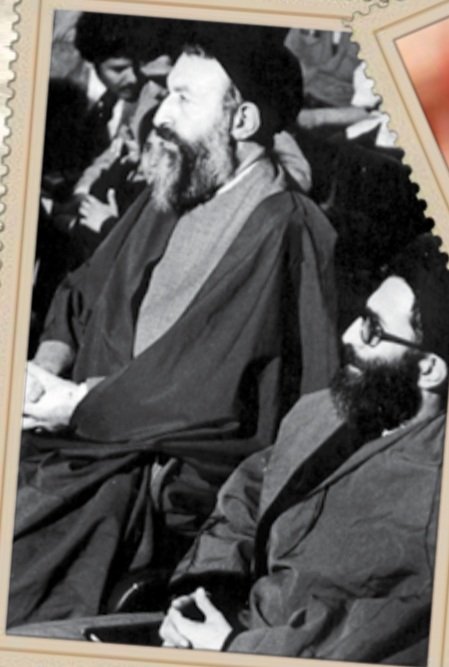
تروریستی، در ۷ تیر ۱۳۶ به همراه ۷۲ تن دیگر به شهادت رسید.^۱

آمد از لبخند باران، آمد از اشراق رود
مردی از آینه روشن تر، صداقت تاروپود
کیست این مجنون عاشق؟ کیست این روح غریب؟
کیست این اندوه پرپر؟ کیست این داغ کبود؟
کیست این؟ یک شمس دیگر، وارث تیغ و غزل
کیست این؟ یک روح شرقی، وارث عشق و سرود
یک سر سبز و زبانی سرخ، جانی شعله ور
سهم این ققنوس آتش نوش طوفان گرد بود
یک شب آمد سرخ مُردن را تبسم کرد و رفت
ما نفهمیدیم اما، آن تبسم را چه سود!
مثل روح گل شکفت و مثل بوی گل پرید
تا که دل بستیم بر او، داغ او آمد فرود
مردی از خواب زمین کوچید، یک شب ناگهان
آسمان را خواب دید و شد پرستو پر گشود
این غزل آتش فقط یک جرعه از اندوه اوست
آه اگر می شد بنوشم داغ او را رود رود...
تا زبانی سرخ دارد عشق در کام جنون
از «بهشتی» می توان بالهجه غیرت سرود

رضا اسماعیلی



۱. نک: راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام، دفتر اول، ص ۳۷ تا ۴۰.





یاران آسمانی



محمدعلی رجایی در ۲۵ خرداد ۱۳۱۲ در قزوین متولد شد. وی دومین رئیس‌جمهور ایران بود. شهید رجایی کارشناسی‌اش را در رشته ریاضیات از دانش‌سرای عالی و کارشناسی‌ارشدش را در رشته آمار گرفته بود. او پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، دبیر ریاضی بود. پس از انقلاب اسلامی، در کابینه مهدی بازرگان، وزیر آموزش و پرورش شد. با انتخاب ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور، رجایی به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی شد و پس از عزل بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری، وی از ۱۱ مرداد ۱۳۶ تا ۸ شهریور همان سال، به مدت ۲۸ روز، رئیس‌جمهور منتخب مردم بود.^۱

شهید محمدجواد باهنر در ۱۳ شهریور ۱۳۱۲ در کرمان متولد شد. او دومین نخست‌وزیر ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ بود. کارشناسی‌ارشدش را در رشته علوم تربیتی و دکترایش را در رشته الهیات از دانشگاه تهران گرفته و پس از فارغ‌التحصیلی، به حرفه معلمی روی آورده بود. در دوران پهلوی، به تدوین کتب درسی دینی و قرآن پرداخت. شهید باهنر پیش از کسب سمت نخست‌وزیری، به‌عنوان سومین وزیر آموزش و پرورش ایران مشغول به کار شد. باهنر را می‌توان از نخستین تدوینگران و مؤلفان کتب مذهبی مدارس ایران، قبل و بعد از انقلاب اسلامی دانست.^۲



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: غلامعلی رجایی، سیره شهید رجایی.

۲. برای مطالعه بیشتر، نک: داود بختیاری، آن سوی شب.



شهید رجایی و شهید باهنر در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری
دفتر نخست‌وزیری، به دست سازمان مجاهدین خلق، به شهادت
رسیدند.

مرحبا ای همدلانِ نیک‌بخت
عزمِ حق‌کردید و بر بستید رخت
آفرین بر راه‌ورسمِ پاکتان
سیرِ عرفانی سوی افلاکتان
سال‌ها در عشقِ دین خوش سوختید
علم و ایمان را به هم بردوختید
امت از تقوایان ره‌توشه ساخت
کفر ازرق جامعه، یکسر رنگ باخت
ای عزیزان راه ما راه شماست
چون ره هموارتان، راه خداست
با امام امتِ حق جوی خویش
عهد می‌بندیم محکم‌تر ز پیش
چون رجایی، باهنر، بی‌گفت‌وگو
جان و سر، بازیم اندر راه «او»^۱

حسن حبیبی



۱. حسن حبیبی، روزنامه اطلاعات، ش ۱۶۴۳۳، ص ۳.

فتح مفتح

شهید محمد مفتح در ۲۸ خرداد ۱۳۰۷ در شهرستان فامنین به دنیا آمد. وی تحصیلات حوزوی را در قم، نزد علمایی چون امام خمینی رحمته الله علیه، سید حسین طباطبایی بروجردی رحمته الله علیه و سید محمد حسین طباطبایی رحمته الله علیه دنبال کرد. همچنین تحصیلات دانشگاهی اش را در رشته فلسفه آغاز کرد و موفق به اخذ درجه دکتری در این رشته شد. وی قبل از پیروزی انقلاب، با چاپ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات اسلامی و ایراد سخنرانی در شهرهای مختلف، به مبارزه سیاسی با حکومت پهلوی پرداخت که در نهایت، این فعالیت‌ها منجر به تبعید وی به زاهدان شد.

در دهه ۵۰، مسجد قبا را تأسیس کرد و امامت نماز جماعت را در آن عهده‌دار شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت امام خمینی رحمته الله علیه به ایران، یکی از اعضای اصلی تشکیل دهنده کمیته استقبال بود. گروه فرقان ایشان را در ۲۷ آذر ۱۳۵۸ هنگام ورود به دانشگاه تهران، هدف گلوله قرار داد و به همراه دو محافظش در مقابل دانشکده الهیات دانشگاه تهران بارگبار گلوله شهید کرد.





به خون تپیده و در خاک خفته یار دگر
وطن به سوگ عزیزی نشسته بار دگر
هنوز گرد غم رفتگان به رخ داریم
که از کرانه برآمد سیه غبار دگر
به کاروان شهیدان و عاشقان پیوست
ز خیل رهگذران مانده رهسپار دگر
خبر رسید مفتوح به سوی دوست شتافت
مباد بادیه خالی ز رهگذار دگر
تو یادگار وفا بودی، ای دریغ که رفت
ز بزم اهل وفا چون تو یادگار دگر
خدا خدا، تو نگهدار باغبان می باش
که بذر لاله فشاند به نوبهار دگر
مجاهدان و دلیران و عاشقان رفتند
«حمید» ماند و یاران سوگوار دگر^۱

حمید سبزواری







بازی آتش

جنگ عراق با ایران که به «جنگ تحمیلی» یا «دفاع مقدس» یا «جنگ هشت‌ساله» معروف است، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. در این روز با یورش هم‌زمان نیروهای هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور به مرزهای ایران، این حمله به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد.^۱

به خون گریختی خاک من، دشمن من!

بجوشد گل اندر گل از گلشن من

تنم گریسوزی، به تیرم بدوزی

جدا سازی ای خصم، سراز تن من

کجامی توانی ز قلبم رُبایی

تو عشق میان من و میهن من؟!

من ایرانی‌ام، آرمانم شهادت

تجلی هستی است جان‌کندن من



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: محمد درودیان، جنگ ایران و عراق موضوعات و مسائل.



مپندار این شعله افسرده گردد
که بعد از من افروزد از مدفن من
نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش
بتازد به نیرنگ تو، توسن من
کنون رود خلق است دریای جوشان
همه خوشه خشم شد خرمن من
من آزاده از خاک آزادگانم
گل صبر می پرورد دامن من
جز از جام توحید هرگز ننوشم
زنی گربه تیغ ستم گردن من
من آزاده از خاک آزادگانم
گل صبر می پرورد دامن من

سپیده کاشانی





خروش شیرمردان

رشادت‌ها و دلاورمردی‌های رزمندگان دفاع مقدس، صفحات زرینی را در تاریخ ایران بر جای نهاد. جان‌فشانی‌های شیرمردان این سرزمین و نبردهای هوشمندانه و دیوافکن دلیرمردان دوران دفاع مقدس، کشور ایران را بیمه کرد و دشمنان این سرزمین از درازدستی به این خاک ناامید شدند. به همین دلیل الگو قرار دادن آن‌ها در میان جوانان می‌تواند کشور را در برابر توطئه بدخواهان و دشمنان ایمن کند. شهدا برای امنیت کشور و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی، جان خود را فدا کردند و در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه دفاع از کیان اسلامی پیشتاز بودند.^۱

گرچه می‌بافند بهر شیرها زنجیرها
بگسلند آخر همه زنجیرها را شیرها
این دلیران نکو با بد چه جنگی می‌کنند
همچو جنگ شیرها با تیر و با شمشیرها
تیرهاشان باد یا رب، کاری و دشمن فکن
سینه‌هاشان ایمن از آسیب تیغ و تیرها
چهره‌شان پیش از شهادت دیده‌ام، هم بعد از آن
بود خشم‌آلود و آنکه راحت آن تصویرها



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: محمد درودیان، جنگ ایران و عراق موضوعات و مسائل.



این شهیدان نامشان تا جاودان پاینده است
زیرها بس گر زبر گردد، زیرها زیرها
نامشان چون تاج فخری بر سر این کشور است
خامۀ زرین نویسد این به خط میرها
خیره سازد چشم گردون را فروغ فخرشان
می‌گذارد بر زمین زنده هم تأثیرها
ای دلیران وطن، با «زنده باد ایران» به پیش!
شور ایمائت‌ان فزون تر باد و زور از شیرها...
خاکِ خود را پس بگیرید، ای دلیرانِ وطن
از جهان خوارانِ غرب و شرق و این اکبیرها
این دغل دونانِ دشمن را برانید از وطن
با قوی تر رزم‌ها و برترین تدبیرها
مُلکِ خوزستان و دیگر جای‌ها گرشد خراب
باز آبادان شود، با بهترین تعمیرها
ای جوانان، فتحِ فرجامین بود آنِ شما
می‌خورم سوگند بر پیغمبران و پیرها
این شهیدان، زخمیان را بیند آیا آسمان؟
کر شود گوش زمین از صیحهٔ آژیرها
غم مخور «امید»، بی شک بُگسلد آخر ز هم
گرچه می‌بافند بهر شیرها زنجیرها



بوی خیانت

ابوالحسن بنی‌صدر سابقه انقلابی مشخصی نداشت و تنها در زمان حضور امام خمینی رحمته‌الله علیه در پاریس، به ایشان پیوست و خود را به‌عنوان یک انقلابی جا زد. البته بعدها مشخص شد که وی و افرادی از نهضت آزادی و جبهه ملی، با هدف ایجاد انحراف در مسیر انقلاب ملت ایران و از طریق آمریکایی‌ها به جمع یاران امام پیوستند. در اسناد لانه جاسوسی آمریکا هم اسنادی مبنی بر ارتباط بنی‌صدر با سفارت آمریکا در قبل و بعد از انقلاب بیرون آمد.

سیاست بنی‌صدر این بود که می‌گفت باید بگذاریم دشمن هر مقداری که می‌خواهد جلو بیاورد. ما بعدها به تدریج دشمن را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم. وی می‌گفت باید زمین بدهیم تا زمان بگیریم! یکی از خیانت‌های بنی‌صدر برای تضعیف نیروهای مدافع انقلاب و بازکردن راه پیشروی نیروهای عراقی، آن بود که به ارتش گفته بود بدون دستور او، به سپاه و بسیج اسلحه ندهند. ابوالحسن بنی‌صدر آیت‌الله‌زاده بود؛ اما مسیر خلاف جهت انقلاب اسلامی را در پیش گرفت و در دوران ریاست جمهوری خود، انحراف خود از مسیر انقلاب را نشان داد و نهایتاً به همراه دیگر دشمنان داخلی انقلاب اسلامی، با لباس زنانه به خارج گریخت و از آن زمان تاکنون در دامان دولت‌های غربی، در پاریس روزگار می‌گذراند.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: فاطمه نظری کهره، بنی‌صدر از ظهور تا سقوط.



بر صدر نشست آن که فروشد وطنش را
آن کس که به تاراج دهد ما و مَنش را
این است شبانی که به گفتار سپارد
آهو بره‌های گله‌ خویشتنش را
خنجر زده از پشت به این باغ پراز گل
تا شاد کند دسته زاغ و زغنش را
تا آنکه به بیگانه فروشد ز سر جهل
هم لاله و هم بلبل و سرو چمنش را
فریاد بزن چون که گناه است سکوتش
هر کس که ببندد کلمات دهنش را
می‌خواست به تکرار، خیانت کند اما
صد شکر نخوردیم فریب سخنش را
در خون جوانان وطن غرق شد آخر
آن گونه که دیدیم جلای وطنش را



خونین شهر

بیست و چهارم مهر ۱۳۵۹، شهر خرمشهر پس از سه هفته مقاومت دلیرانه، سرانجام به اشغال نظامیان رژیم بعث عراق درآمد. این شهر در عملیات «بیت المقدس» در ۳ خرداد ۱۳۶۱ آزاد شد. آزادسازی خرمشهر از اهداف اصلی عملیات بیت المقدس در خلال جنگ ایران و عراق بود که ارتش جمهوری اسلامی ایران، به فرماندهی شهید علی صیاد شیرازی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به فرماندهی محسن رضایی انجام گرفت. خرمشهر پس از ۵۷۶ روز اشغال توسط نیروهای ارتش عراق، در این روز بازپس گرفته شد. فتح خرمشهر بازتاب جهانی داشت و عراق با از دست دادن خرمشهر، از نظر سیاسی تکیه گاهش را برای مذاکره از دست داد. این نبرد از لحاظ نظامی، نقطه عطفی بود در تاریخ جنگ ایران و عراق.^۱ شعری که در ادامه می خوانیم بخشی است از مثنوی بلندی که به شهید محمد جهان آرا، فرمانده دلاور سپاه خرمشهر تقدیم شده است.



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: یاسر خلفی، تاریخ خرمشهر؛ دو قرن مقاومت.



شهیدم، محمد، برادر، منم
که در شهر خونین قدم می‌زنم
شهادت، همان شد که می‌خواستی
تو در خون نخفتی، که برخاستی
به مادر نگفتم شکوفا شدی
که احیا نمودی که احیا شدی
نگفتم که با سایه پیکار کرد
نگفتم که با تیر افطار کرد
نگفتم که جانی به چاک اوفتاد
نگفتم که کوهی به خاک اوفتاد
نگفتم که تن را ز سر باز کرد
که بالید و ناگاه پرواز کرد
ببین شهر، چون ماست آینه‌وار
حماسی و زخمی، ولی پایدار
اگر چند یک کوچه‌اش بی‌صفاست
اگرچه خیابانی از آن جداست
ببین، شهر ما سرگذشت من است
حماسی و زخمی و رویین تن است...





مرگ نفاق

شورش جدایی طلب‌ها از ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، بزرگ‌ترین قیام علیه حکومت جدید ایران بود. آتش این شورش، از مناطق غرب ایران شعله‌ور شد و دامن شهرهایی چون سنندج، مریوان، مهاباد و پاوه را گرفت.

در پی شدت گرفتن درگیری‌ها در «پاوه» و انتشار اخباری مبنی بر کشتار مردم و پاسداران توسط نیروهای مهاجم، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران با صدور فرمانی، خواهان اعزام نیرو به این منطقه شد. در پی پیام امام رحمته‌الله علیه، هزاران تن از نیروهای ارتش و سپاه و داوطلبان غیرنظامی به پاوه سرازیر شدند و پس از چند ساعت، خبر آزادی شهر پاوه از دست مهاجمان مخابره شد و با این پیروزی، نقشه منافقان و تجزیه‌طلبان نقش بر آب شد.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: صدیق صفی‌زاده، تاریخ کرد و کردستان.



ای دشمن صهیونی، مولود عنودان
اینجا نه عراق است، نه شام است، نه سودان
آواره تویی، فکر نگون بختی خود باش
گُردان نه خمارند، نه محتاج خمودان
از نیل چه دیدی که فراتت شده مقصد؟
نیلی شوی از سیلی این جامه کبودان
جای دگری دام نه ای جغد که این قوم
دیدند چه بسیار فرازان و فرودان
ارکان مریوان و سندج نشود کج
از باد بریتانی و از جهد جهودان
از تجزیه تاجی نرود بر سرت ای خصم
این قوم ز اشرار کُله گنده و خودان
ایرانی و کُردیم و جز این پرچم گلگون
رنگی نپذیریم، بمیرند حسودان!





سردار نستوه

شهید محمدابراهیم همت در ۱۲ فروردین ۱۳۳۴ در شهرضای اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در همان شهر به پایان رساند و در سال ۱۳۵۲ دیپلم گرفت. در همان سال وارد دانشسرای تربیت معلم اصفهان شد و در سال ۱۳۵۴ مدرک فوق دیپلمش را اخذ کرد. ۲ سال بعد عازم گذراندن خدمت سربازی شد. وی پس از سربازی به شهر خود بازگشت و مدتی در مدارس راهنمایی شهرضا و روستاهای اطراف به تدریس تاریخ پرداخت. در آن دوران کوشید دانش آموزان را با افکار انقلابی آشنا کند و همین امور سبب شد که چندین نوبت از طرف سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) به او اخطار داده شود.

با نزدیک شدن انقلاب ۱۳۵۷، به شهرضا بازگشت و سازمان دهی تظاهرات مردمی را بر عهده گرفت. وی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ ایران و عراق بود. شهید همت پس از انقلاب و در سال ۱۳۶۱ مدت کوتاهی را در جبهه جنگ لبنان و اسرائیل گذراند، سپس به ایران بازگشت و در جبهه های جنگ ایران و عراق، در عملیاتی چون فتح المبین، بیت المقدس، رمضان و خیبر، مسئولیت هایی را عهده دار بود. او در اسفند ۱۳۶۲ در عملیات خیبر شهید شد. سرداران بزرگی همچون شهید همت در هشت سال دفاع مقدس، رشادت های بی مانندی برای پاسداری از میهن



عزیزمان به یادگار گذاشته‌اند. شعری که در ادامه می‌خوانیم، در ستایش این اسطوره‌هاست.^۱

الهی به آنان که پرپر شدند
پراز زخم‌های مکرر شدند
به آنان که چون پرده بالا زدند
قدم در حریم تماشا زدند
به آنان که کارون خروش آمدند
چنان خون کارون به جوش آمدند
به آنان که زخمی‌ترین بوده‌اند
شهیدان میدان مین بوده‌اند
همانان که از مهر فرزند خویش
بریدند یک باره پیوند خویش
بریدند تا وصل آسان شود
نیستانه درد درمان شود
همانان که روح روان داشتند
سفرنامه آسمان داشتند



۱. نک: ابراهیم رستمی، طنین همت؛ زندگانی سردار شهید محمد ابراهیم همت، ص ۱۲ تا ۲۰.



همانان که دلدادۀ او شدند
کبوتر کبوتر پرستو شدند
پرستو پرستو فراز آمدند
و بی سراسرافراز باز آمدند
که این خطه، خاکِ سرافرازی است
همه همت و شورِ جانبازی است
به تکبیر آن دم که دم می زدند
سکوتِ زمان را به هم می زدند...
از آنان که تنها پلاکی به جاست
کمی استخوان، مشتِ خاکی به جاست
الهی به آوازۀ این حریم
به هورالهیوزه، به هورالعظیم
به دشتی که پیوسته عباس داشت
که بی دست هم خیمه را پاس داشت
به رمزی که چون نام خیر گرفت
غریبانه از ما برادر گرفت
خبر بود و تکرار خمپاره ها
جگرگوشه ها، پاره پاره رها
خطر، رمل، توفان شن، ماسه ها
زمین، مین، کمین، رد قنّاسه ها



خطر پشت هر لحظه پا می گرفت
زیاران ما دست و پا می گرفت ...
کجایند مردان والفجر هشت؟!
که از خونشان دشت گل پوش گشت
کجایند مردان فتح المبین؟!
کجایند اسطوره های یقین...؟!!

پرویز بیگی حبیب آبادی





از برکلی^۱ تا دهلاویه

شهید مصطفی چمران، فیزیک دان، سیاستمدار، وزیر دفاع ایران در دولت مهدی بازرگان و دولت موقت شورای انقلاب، نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی، از فرماندهان ایران در جنگ ایران و عراق و بنیان گذار ستاد جنگ های نامنظم در جریان جنگ ایران و عراق بود.

وی در دانشگاه تهران، تحصیلات خود را در رشته الکترومکانیک به پایان برد. سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در فیزیک پلاسما دکتری گرفت. پس از گذراندن آموزش های نظامی در مصر، به لبنان رفت و به همراه امام موسی صدر، در تشکیل جنبش «امل» نقش مؤثری داشت و از فرماندهان آن بود.

شهید چمران با شروع جنگ تحمیلی، به اهواز رفت و ستاد جنگ های نامنظم را بنیان گذاری کرد. از دیگر کارهای مهم وی، ایجاد هماهنگی بین نیروهای ارتش و سپاه و نیروهای داوطلب مردمی بود که در منطقه حضور داشتند. شهید مصطفی چمران در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در مسیر دهلاویه سوسنگرد، بر اثر اصابت ترکش خمپاره در ۴۹ سالگی به شهادت رسید.^۲ رباعیاتی که در ادامه می خوانیم در رثای شهید چمران سروده شده است.



۱. دانشگاه محل تحصیل شهید چمران در آمریکا.

۲. نک: امیر صادقی گیوی، مصطفی چمران، نگاهی به زندگی و زمانه شهید چمران، ص ۱۰ تا ۱۵.

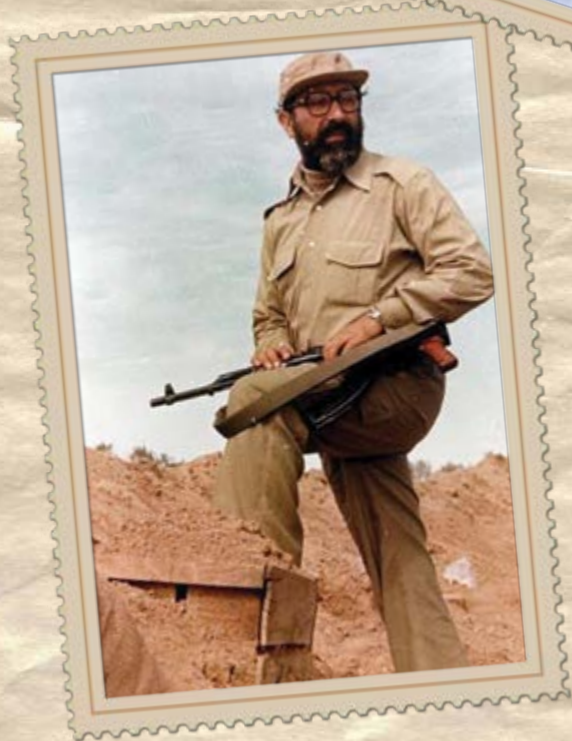


ای کاش رها ز نام و از نان باشیم
مانند نسیم در بهاران باشیم
آن روز که هرکسی رفیقی دارد
ای کاش که هم نشین چمران باشیم

هر ابر که در هواست، باران نشود
هر دل داده، لایق جانان نشود
در سینه شراری از صفا باید داشت
هر مرد که مصطفای چمران نشود

نام تو در آمیخته با سوسنگرد
دارد با خود، عشق تو را سوسنگرد
چمران بزرگ، با غمت هر شب و روز
می ریزد اشک، بی صدا سوسنگرد

در راه خدا گذشت از جان، چمران
آغوش گشود بر شهیدان، چمران
دهلاویه پرسید که این مرد که بود؟
گفتند فرشتگان که چمران، چمران





تا پای جان

هویزه، در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب سوسنگرد و ۷۲ کیلومتری غرب اهواز قرار گرفته است. نیروهای ارتش متجاوز صدام این شهر را نخستین بار در ششم مهرماه ۱۳۵۹ محاصره کرد؛ اما این محاصره با مقاومت مردمی دفع شد. ارتش متجاوز صدام، حدود سه ماه بعد، در دی ماه ۱۳۵۹، دوباره به این شهر حمله کرد و پس از حماسه مقاومت و شهادت حسین علم‌الهدی و گروهی از دانشجویان پیرو خط امام رحمتهما، این شهر به مدت ۱۶ ماه در تصرف نیروهای عراقی بود که در طول این مدت، هویزه را با خاک یکسان کردند.

دفتر کار بخشدار هویزه، شهید حامد جرفی، سنگری شده بود تا از این محل، امور مربوط به دفاع از انقلاب اسلامی را در مقابل دشمن متجاوز پیگیری کند. بخشدار هویزه در حین انجام وظیفه، مورد اصابت خمپاره دشمن قرار گرفت و پس از آن برای درمان به تهران منتقل شد. حامد جرفی دو ماه در اغما به سر برد و سرانجام در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۹، هم‌زمان با حماسه آفرینی شهید علم‌الهدی و یارانش در کربلای هویزه، به مقام شهادت نائل آمد. بی‌تردید جوانان تاریخ‌ساز هویزه، دلاورانه برای دفاع از شهرشان ماندند تا هویزه برای همیشه بماند.^۱



۱. نک: نصرت‌الله محمودزاده، حماسه هویزه، ص ۸.



وطن دوستی

بخشدار هویزه را گفتند:
ترک کن شهر خویشتن را زود!
خیل صدامیان کافرکیش
آمده در کنار شهر، فرود
جز تو و چند پاسدار جوان
کس ندارد در این دیار وجود
راه‌های امید شد بسته
باب‌های نجات شد مسدود
گر بمانی، اسیر خواهی شد
ورکنی جنگ، می‌شوی نابود
زن و فرزند خویش را برگیر
رخت خود می‌فکن به آن سوی رود
غیرتسلیم یا فرار، تو را
چاره دیگری نخواهد بود
همچو اسپند برجهید ز جا
مرد تا این حدیث تلخ شنود
گفت: من ترک آشیانه خویش
نکنم، گر کنم ز جان بدرود



گر سپارم وطن به دست عدو
مادر از من رضا نخواهد بود
مگذارند همسر و پسر
کنم از آشیان خود بدرود
دخترم با دو دست کوچک خویش
رهگذار مرا کند مسدود
تا که خون در رگ است و جان در تن
سرنیارم به پیش خصم فرود
می ستیزم به ناخن و دندان
نهراسم ز تیر و آتش و دود
یا کنم خصم را برون ز وطن
یا شوم کشته در ره مقصود
روز دیگر ز بخشدار نماند
جز تنی سرد و نقش خون آلود
آن طرف تر دو کودک و یک زن
خفته در خون خویشتن خشنود
گفت: «حب الوطن من الایمان»
بیک مسعود کردگار و دود...^۱

علی باقرزاده (بقا)



۱. علی باقرزاده (بقا)، روزنامه اطلاعات، ۱ مهر ۱۳۹۲، ش ۲۵۶۹۷، ص ۴.



جنگ مذبوحانه

حکومت عراق در زمان صدام حسین به صورت گسترده از سلاح‌های شیمیایی برای مقابله با مخالفان و جنگ ایران استفاده کرد. صدام حسین از سال ۱۹۸۴ به بعد، به طور گسترده از گاز «تابون» استفاده می‌کرد؛ اما این ماده گران بود و پیدا کردن مواد لازم برای ساخت آن نیز سخت بود. او بعدها بیشتر به سراغ گاز «وی ایکس» رفت که قدرت و دوام بیشتری داشت. او در سال ۱۹۸۸ حدود ۴ تن از این گاز را در اختیار داشت، اما ماده شیمیایی که در حجم وسیع‌تری در دسترس او قرار داشت، گاز «سارین» بود. صدام به گاز خردل هم علاقه داشت؛ چراکه این گاز، اثرات درازمدتی نظیر کوری، انواع سرطان، ناباروری و نقص عضو پیش از تولد داشت.

از سال ۱۳۶۳، استفاده گسترده عراق از گاز اعصاب، گاز تاول‌زا و گازهای عامل خون آغاز شد. تنها در یکی از دفعه‌های استفاده عراق از این قبیل سلاح‌ها علیه شهروندان عراقی حامی ایران، در اسفند ۱۳۶۶، بیش از ۵۰۰۰ نفر غیرنظامی کشته و ۷۰۰۰ نفر دیگر مجروح شدند.^۱



۱. نک: یحیی فوزی، مقاله «جگونگی کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ توسط عراق»، فصلنامه تاریخ جنگ، ش ۱۶.



پرده‌ها را ببند شب شده است، روز را در اتاق پنهان کن
گریه‌ات را بخنند، دردت را، درپس اشتیاق پنهان کن
سرفه‌های مکررت بدجور، روی اعصاب شهر می‌خندد
یعنی اینکه نفس نکش، خود را پشت این اختناق پنهان کن
شب نشسته است روی این معبر، رمز تنهایی تو لو رفته
پر شده از ستون پنجم شهر، ماه را در محاق پنهان کن
حق این مردم است این مردم، که تو باشی و آرزو بکنند
کربلا را نیار و مثل قبل، توی خاک عراق پنهان کن
باز هم روزنامه‌های شهر، عکس‌های تو را بزرگ زدند
تو به رویت نیار و دنیا را، پشت این اتفاق پنهان کن
روشنی را به روی تاول‌ها، دکمه دکمه ببند تا آخر
باز نیلوفران آتش را، در میان اجاق پنهان کن
زخم‌ها، این شناسنامه تو، چند وقتی است از مد افتاده
پرده‌ها را ببند شب شده است، روز را در اتاق پنهان کن



عملیات مرصاد

عملیات «مرصاد»، آخرین عملیات رزمی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله است، با این تفاوت که این بار دشمن، ایرانیانی بودند که در قالب نیروهای شبه‌نظامی، موسوم به «ارتش آزادی‌بخش ملی»، با رهبری مجاهدین خلق (منافقین) و حمایت دولت عراق به مرزهای ایران حمله کرده بودند.

مجاهدین خلق نام عملیاتشان را «فروغ جاویدان» گذاشته بودند و هدفشان فتح تهران، طی یک برنامهٔ زمان‌بندی‌شدهٔ ۳۳ ساعته بود. آن‌ها از محور سرپل ذهاب به جادهٔ کرج و اسلام‌آباد غرب وارد شدند و در اسلام‌آباد غرب با سازمان‌دهی که انجام دادند، به مقصد باختران، همدان، قزوین، کرج و تهران حرکت کردند. با پشتیبانی نیروهای عراقی در شب و روز اول عملیات، روی خطوط جاده در حرکت بودند؛ اما قوای رزمندگان اسلام در یک منطقهٔ سوق‌الجیشی و استراتژیک در تنگهٔ «چهارزبر» راه را بر دشمن مسدود کردند.

فرماندهی نیروهای ایرانی عملیات مرصاد به عهدهٔ شهید صیاد شیرازی و فرماندهی نیروهای منافقین به عهدهٔ مسعود رجوی بود. سرانجام بعد از سه روز نبرد بی‌امان، در ۸ مرداد ۱۳۶۷، منافقین شکست سنگینی خوردند و تعداد زیادی‌شان به هلاکت رسیدند.^۱



۱. برای مطالعهٔ بیشتر، نک: اسناد و اسرار عملیات مرصاد.



یادتان هست آتش فتنه
شعله ور گشت پنجم مرداد
حمله های منافقین پست
شیرمردان تنگه مرصاد
ذکر «یا صاحب الزمان» آن روز
رمز فتح الفتوح ما گردید
سیلی محکمی بصیرت ما
بردهان منافقین کوبید
خبری بین بچه ها پیچید
ای رفیقان، غلامعلی هم رفت
چون شفا در ته پیاله بود
هر که نوشید، از دلش غم رفت
حرف غربت میانمان آمد
یاد گردان مسلم افتادیم
صحبت از شیرمرد «مرصاد» است
یاد سردار عشق، «صیاد» یم
بعد از آنکه امام روح الله
جام آن زهرنامه را نوشید
با شکوهی که شد به پا مرصاد
مرهمی بر دل امام رسید



حضرت عشق این چنین فرمود:
نرود زیر بار ننگ، ایران
پس گرفتیم خاکمان با خون
کشور سرفراز جنگ، ایران
هر کجا مردم غیور ما
شهره هستند در وفاداری
عَلَم عشق را خمینی داد
وہ بنازم به این علمداری
ماه مرداد بود و گرما بود
چقدر تشنگی اذیت کرد
خوش به حال کسی که خون آلود
شاه لب تشنه را زیارت کرد...

قاسم نعمتی



دفتر سرخ

در تفکر شیعی، برترین کامیابی، بزرگ‌ترین پیروزی، والاترین مقام، بیشترین امتیاز، عظیم‌ترین فوز، نیکوترین نیکی، رفیع‌ترین مرتبت، عالی‌ترین رتبت و گران‌مایه‌ترین درجه، رسیدن به فیض عظمای شهادت است. شهادت نقشِ جدا کردن و شناساندن حق از باطل را شجاعانه و به‌طور احسن و اکمل در جامعه ایفا می‌کند و با این اثر، اجتماع را از رکود و جمود و انزوا خارج می‌سازد و با تصفیۀ عمیق، پویایی و بالندگی و کمال جامعه را تضمین می‌کند. شهادت از واژه‌های برتر فرهنگ اسلامی و از مفاهیم و معارف مقدس الهی است. شهادت اوج کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را یکجا نثار معبود می‌کند و قطره وجودش به دریای بیکران هستی مطلق می‌پیوندد.

مفهوم شهادت و روحیۀ شهادت‌طلبی و ایثار در راستای اعتلای میهن اسلامی ایران از مفاهیمی است که جمهوری اسلامی ایران را از تعرضات دشمنان، ایمن ساخته است. تا زمانی که در کشورمان پرچم ایثار و شهادت در اهتزاز باشد، فتح و ظفر، قرین این خاک خواهد بود.^۱



۱. نک: سعادت ملوک تابش هروی، شکوه شهادت، ص ۶.



عهدی ست که بسته ایم برمی خیزیم
با آنکه شکسته ایم برمی خیزیم
هروقت که نام عشق را می خوانند
هرجا که نشسته ایم برمی خیزیم

از زخم، شناسنامه دارند هنوز
در مسجد خون، اقامه دارند هنوز
آنان همه از تبار باران بودند
رفتند، ولی ادامه دارند هنوز

سرتاسر شهر با تو عطر آگین بود
لبخند تمام کوچه ها غمگین بود
آن روز که بر دوش تو را می بردیم
تابوت سبک، ولی غمت سنگین بود

خون بسته سرم، تمام گیسم سرخ است
می گریم و چشم های خیسم سرخ است
هرچند که سبز رفته ای، نامت را
با هر قلمی که می نویسم، سرخ است



ما دورمداری از خطر می گردیم
تا صبح به دنبال سحرمی گردیم
سوگند به لاله ها که همچون خورشید
زرد آمده ایم و سرخ برمی گردیم

از عرصه عاشقی سرافراز آمد
خونین پروبال، مست پرواز آمد
با خود خبر شهادتش را آورد
هر قاصدکی که از سفر باز آمد^۱

هادی فردوسی



۱. هادی فردوسی، آنان همه از تبار باران بودند، ص ۲۴ تا ۲۶.



روز قدس

امام خمینی رحمته الله علیه در ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ ق (۱۶ مرداد ۱۳۵۸ ش) آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روزی رسمی برای حمایت از مردم فلسطین دانست و از مسلمانان جهان خواست که برای کوتاه کردن دست اسرائیل و پشتیبانان آن به هم پیوندند. نام گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان «روز قدس»، با حمایت بسیاری از روشن فکران و هنرمندان مواجه شد و امروزه علاوه بر ایران، در کشورهای مختلفی از جهان، راهپیمایی و مراسم روز قدس برگزار می شود که این تعداد به ۸۰ کشور در قاره های مختلف جهان می رسد.^۱ شعری که در ادامه می خوانیم، اندوه تلخ فلسطینیان و پایداری آنان و آینده روشن را در جام واژگان ریخته است.

اهرام در تمامت فرعون قد کشید
از بهت خاک، قدمت فرعون قد کشید
پر شد دوباره گوش به گوش زمین، سکوت
خون شد دویید در رگ هر ذره این سکوت
سگ ها به زخم های زمین حمله ور شدند
سگ های حمله ور شده هی بیشتر شدند



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: جواد محدثی، فلسطین.



در پای کوب فاجعه گل ها لگد شدند
گلدسته های مسجد الاقصی لگد شدند

در گوشه گوشه های زمین، رقص کرکس است
این شهر زیر فاجعه، بیت المقدس است
زیتون های یائسه را باد چیده است
طوفان به عمق باغچه ها هم رسیده است
باروت، سایه بر سر آئینه ها کشید
دستی به زخم خوردگی سینه ها کشید

آواز عاشقانه باران شکسته شد
خواب بهار، در سر گلدان شکسته شد
خواب بهار، خواب خوش یک زمین بهار
در زیر پای کوب زمستان شکسته شد
باران اتفاق، زمین را نشانه رفت
شهری در آستانه طوفان شکسته شد
برگرده خمیده شب، چنگ زد کسی
یک سایه در کنار خیابان شکسته شد
رقص گلوله، پلک زمین را ز هم گشود
شب، زیر قارقار کلاغان شکسته شد



باروت و دود، در ریه‌های زمین دوید
تاریخ، مات و گنگ و پریشان شکسته شد.

از آستین شهر، ابابیل پر گرفت
یک لحظه خواب در سر شیطان شکسته شد
باور در آستین زمین نطفه بست و بعد
فریاد زد که غربت ایمان شکسته شد
شلاق و تیرو ترکش و باروت اثر نکرد
قانون تازیانه چه آسان شکسته شد؟

با خون و زخم، «قبه موسی» هنوز هست
در چنگ باد «مسجد الاقصی» هنوز هست
رقص کبوتران هر از گاه دیدنی است
در چنگ باد «قبة الارواح» دیدنی است

بوی زلال حادثه از دور می‌رسد
فردا میان هاله‌ای از نور می‌رسد
فردا در آستانه‌ی در، نطفه بسته است
فردا در انتهای همین شب، نشسته است
این شب، در انتظار نفس‌های آخر است



فردای بهتری که زمین مال غنچه هاست
فردای دست های تو، آمال غنچه هاست
فردا حقیقتی ست در آغوش چنگ تو
فردا جوانه می زند از پای سنگ تو
ارابه های خسته، زمین گیر می شوند
وقتی که دست های تو تکثیر می شوند
فردا پراست از گل زیتون دست هات
فردا نشسته در رگ و در خون دست هات
باروت، زیر سنگ تو آوار می شود
بیروت، پا گرفته و بیدار می شود
این شب در انتظار نفس های آخر است
فردای کوچه های تو، فردای بهتر است^۱

علی سعادت شایسته



۱. حسین اسرافیلی، کوه ها سنگ می زایند، ص ۱۰۹.





جام زهر

قطعه‌نامه^۱ ۵۹۸، یکی از قطعه‌نامه‌های شورای امنیت است که در ۲۹ تیر ۱۳۶۶، برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق صادر شد. این قطعه‌نامه از نظر کمی و تعداد واژه‌های به کار گرفته شده، مفصل ترین و از نظر محتوا، اساسی ترین و از نظر ضمانت اجرایی، قوی ترین قطعه‌نامه^۱ شورای امنیت درباره^۱ این جنگ بوده است که بلافاصله از سوی عراق پذیرفته شد، ولی دو روز مانده به سالروز صدور آن، در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ از سوی ایران پذیرفته شد.

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ پیامی درباره^۱ پذیرش قطعه‌نامه منتشر کرد که به «نوشیدن جام زهر» معروف شد. پذیرش این قطعه‌نامه به معنای پذیرش آتش بس از سوی ایران بود؛ ولی عراق به حملات خود ادامه داد و مجدداً وارد خاک ایران شد تا نقاط مهمی از جمله خرمشهر را به دست بیاورد تا با وضع بهتری در مذاکرات حضور داشته باشد، اما موفقیتی به دست نیاورد و نهایتاً جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پایان یافت.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: سیدروح الله خمینی، جام زهر.



گرچه بر عاشقان هویدا بود
علت جام زهر نوشیدن
نامهٔ او دوباره روشن کرد
حکمت جام زهر نوشیدن
به حقیقت رسیده بود و داشت
جرئت جام زهر نوشیدن
هست بهتر ز ذلت تسلیم
عزت جام زهر نوشیدن
پیر از خود گذشتهٔ ما داشت
غیرت جام زهر نوشیدن
حیلۀ دشمنان فنا شد از
دولت جام زهر نوشیدن
داد ما را نجات، زیرا داشت
قدرت جام زهر نوشیدن
گرچه برخی نگه نمی دارند
حرمت جام زهر نوشیدن
خواست رایج شود پس از او نیز
سنت جام زهر نوشیدن
عشق یعنی فدا شدن تا هست
فرصت جام زهر نوشیدن



عزل ایستادگی / ۱۴۰





هنگامه سفر

خبر ارتحال جان سوز امام خمینی رحمته الله علیه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ خبر تلخی بود که در ساعت ۷ صبح، در اولین بخش خبری رادیو سراسری ایران به اعلام عمومی رسید. این خبر بسیاری از مردم را از اقصانقاط ایران به تهران کشاند و تشییع جنازه تاریخی و عظیمی رقم خورد که بزرگ‌ترین تشییع جنازه دنیا لقب گرفته است. جمعیت شرکت‌کننده در این مراسم تا ۱۰ میلیون نفر تخمین زده شده است.

امام خمینی رحمته الله علیه افرادی را با تعیین اولویت برای خواندن وصیت‌نامه‌شان برای مردم مشخص کرده بود. این افراد به ترتیب عبارت بودند از سیداحمد خمینی، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس دیوان عالی کشور و در نهایت یکی از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی. در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، وصیت‌نامه امام خمینی رحمته الله علیه را در مجلس خبرگان رهبری قرائت کرد.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: محسن بهشتی سرشت، زمانه و زندگی امام خمینی رحمته الله علیه.



امشب خبر کنید تمام قبیله را
برشانه می برند امام قبیله را
ای کاش می گرفت به جای تو دست مرگ
جان تمام قوم، تمام قبیله را
برگرد، ای بهار شکفتن که سال هاست
سنجیده ایم با تو مقام قبیله را
بعد از تو، بعد رفتن تو، گرچه نابجاست
باور نمی کنیم دوام قبیله را
تا انتهای جاده نمادی که بسپری
فردا به دست دوست، زمام قبیله را
**

زخمیم، خنجر یمنی را بیاورید
زنجیرهای سینه زنی را بیاورید
**

ای خفته در نگاه تو صد کشور آینه!
شد مدتی نگاه نکردی در آینه
رفتی و روزگار، سیه شد بر آینه
رفتی و کرد خاک جهان بر سر آینه
رفتی و شد ز شعله برانگیزی جنون
در خشک سال چشم تو خاکستر آینه



چون رنگ تا پریدی از این خاک خورده باغ
خون می خورد به حسرت بال و پر آینه
دردا، فتاده کار دل ما به دست چرخ
یعنی که داده اند به آهنگر آینه
در سنگ خیزِ حادثه تنها نشاندی اش
ای سرنوشت، رحم نکردی بر آینه
امشب در آستان ندامت عجیب نیست
ای مرگ، اگر ز شرم بمیری هر آینه
**

ای سنگ دل، دگر به دلم بیشتر مزین
بسیار زخم ها زده ای، بیشتر مزین^۱

محمد کاظم کاظمی







سرو انقلاب

بعد از ارتحال امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ در جلسه‌ای فوق‌العاده، بعد از ساعت‌ها بحث، آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد و نقشه دشمنان این مرزوبوم که در انتظار ایجاد هرج و مرج بعد از رحلت امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ در ایران بودند تا از این طریق به مقاصد شوم خود برسند، نقش بر آب شد و طمع‌ورزان از دست‌درازی به این آب و خاک ناامید شدند. سال‌هاست که این انقلاب در سایه رهنمودهای داهیانه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، در مسیر پویایی و استقلال گام برداشته است.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: جعفر شیرعلی‌نیا، روایتی از زندگی و زمانه حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای.



تو آن سروی که چون سربرگنی، سرها بیارایی
و گر سرور شدی، آیین سرورها بیارایی
به نقاش ازل مانی که با نقش جهان آرا
چمن‌ها با گل و سرو و صنوبرها بیارایی
نه هر کو کاروان راند، رموز رهبری داند
تو روح الله، رهی داری که سرها را بیارایی
بدین سوق شهادت‌ها چه بیم از لشکر کافر
که هر آنی تو آن دانی که لشکرها بیارایی...
به روزن‌های چشم و دل همه نور جمال توست
به هر روزن تو منظوری و منظرها بیارایی...
اگر خاور به خورشیدی، درخشان می‌کند آفاق
تو آن خورشید رخشانی که خاورها بیارایی
تو هم خود شهریارا گوهرآرایی و گوهرسنج
به هر گنجت گذر افتاد، گوهرها بیارایی

محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)



فصل آزادگی

بیست و ششمین روز از مردادماه، یادآور بازگشت سرافرازانه آزادگان به میهن در سال ۱۳۶۹ و فرصتی برای مرور رشادت‌های این غیورمردان است. سال ۱۳۶۹ سال پرتلاطمی برای مردم ایران بود. در گرماگرم تابستان، جمهوری اسلامی ایران با سربلندی توانست رزمندگانی را که مجاهدانه از دین و شرف و خاک کشور دفاع کرده بودند و در دست دشمن اسیر شده بودند، به وطن بازگرداند. ستاد رسیدگی به امور آزادگان تبادل حدود ۵۰ هزار آزاده را با همین تعداد اسیر عراقی و با هماهنگی دستگاه‌های دیگر بر عهده گرفت، با این تفاوت که اسرای آن‌ها نظامی بودند و اسرای ما بیشتر بسیجی و غیرنظامی!^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: دانشنامه جامع آزادگان.



سرایا اگر زرد و پژمرده ایم
ولی دل به پاییز نسپردہ ایم
چو گلدان خالی لب پنجره
پراز خاطرات ترک خورده ایم
اگر داغ دل بود، ما دیده ایم
اگر خون دل بود، ما خورده ایم
اگر دل دلیل است، آورده ایم
اگر داغ شرط است، ما برده ایم
اگر دشنه دشمنان، گردنیم
اگر خنجر دوستان، گرده ایم
گواهی بخواهید، اینک گواه
همین زخم هایی که نشمرده ایم
دلی سربلند و سری سربه زیر
از این دست، عمری به سر برده ایم







غزل ایستادگی / ۱۴۰





روایت فتح

شهید سیدمرتضی آوینی، کارگردان فیلم‌های مستند و روزنامه‌نگار حوزه فرهنگی بود. مجموعه فیلم‌های مستند تلویزیونی او درباره جنگ ایران و عراق با نام «روایت فتح» شناخته شده است.

سیدمرتضی آوینی در شهریور ۱۳۲۶ در شهر ری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهرهای زنجان و کرمان و تهران به پایان رساند. او از کودکی با هنر انس داشت: شعر می‌سرود، داستان و مقاله می‌نوشت و نقاشی می‌کرد. به گفته بسیاری از آشنایان و نزدیکان آوینی، او در جوانی متحول شد و زندگی او در آغاز دهه ۴۰ با سال‌های انقلاب فرق بسیار داشت.

شهید آوینی همراه یک گروه فیلم‌بردار، برای ساخت مجموعه جدیدی از روایت فتح به یکی از مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس عزیمت کرده بود. او در ۲۰ فروردین ۱۳۷۲ در «فکه» در حین بررسی منطقه، روی مین رفت و به شهادت رسید. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در قرآنی که آن را به خانواده شهید آوینی هدیه کردند، این عبارت را با خط خود نوشته بودند: «به یاد شهید عزیز، سید شهیدان اهل قلم، آقای سیدمرتضی آوینی که یادش غالباً با من است ...»^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: یاسر عسگری، شهید فرهنگ.



پس از آن وقفه که افتاد به گل چینی‌ها
آسمان می‌نگرد باز به پایینی‌ها
سینه‌ها باز گرفته است هوای شب قدر
چه کسی گفت زمین مانده و نفرینی‌ها؟!
یاد بادا شب پرواز پرستونفسان
از افق تا به افق شهپر شاهینی‌ها
همتی بدرقه راه کن ای شوق حضور
تا سبک پر بکشیم از دل سنگینی‌ها
آسمانا پس از این هم به خدا خواهی دید
بال در بال پرستویی «آوینی‌ها»^۱

مصطفی محدثی خراسانی



۱. مصطفی محدثی خراسانی، روزنامه رسالت، ش ۷۳۳۰، ص ۱۰.



جبهه سازندگی

بعد از جنگ هشت ساله دشوار که ویرانه‌های زیادی را بر جای گذاشته بود و خسارات سنگینی را به کشور وارد کرده بود، مهم‌ترین دغدغه دولت، بازسازی کشور بود. نگاه مردم و مسئولان نیز در این راستا قرار گرفت تا با همتی بلند و جهادی، به بازسازی کشور بپردازند و ویرانی‌های حاصل از جنگ را آباد کنند و کشور را به رشد و خودکفایی برسانند.

دولت ایران در این مقطع به دنبال بازیابی جایگاه خود در اقتصاد و خروج از وضعیت اقتصاد تک‌محصولی متکی به صدور نفت بود که سبب بی‌ثباتی‌های اقتصادی و وارد کردن کالاهای صنعتی ساخته شده یا نیم‌ساخته شده بود. در این مسیر، نیازهای اصلی توسعه، نظیر درآمد نفت، منابع سرشار، موقعیت ژئوپلیتیک مناسب و نیروی کار فراوان و ارزان را در اختیار داشت و برای توسعه، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و درازمدت داشت تا نبود توازن ساختاری در اقتصاد را رفع کند. با همت مردم و مسئولان، کشور در دوره‌ای هشت ساله به ثبات اقتصادی مطلوبی رسید.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: عبدالحسین هراتی، سیمای سازندگی؛ زیرساخت تمدن اسلامی ۰۰۴۱.



با تلاش و صدق، ای خاک وطن می سازمت
با عرق های جبین و رنج تن می سازمت
هر گل از شبنم طراوت گیرد ای خاک عزیز
زین سبب با اشک چشم خویشتن می سازمت
نیستم کمتر ز مرغانی که سازند آشیان
عاقبت چون دسته ای گل در چمن می سازمت
خودکفایی در حقیقت اصل استقلال ماست
با نثار جان و ایثار بدن می سازمت
چون کشاورزی و صنعت شاه بال آرزوست
گر شوم ناچار، حتی با کفن می سازمت
صنعتت را سوخت دشمن تا که تسلیمت کند
من به نیروی خرد، با علم و فن می سازمت
چون سلاح جنگ باشد در کف من این قلم
با سلاح عشق ای خاک کهن می سازمت
همره صنعتگران مُلک جم ایستاده ام
با هزاران جلوه چون نقش خُتن می سازمت
می خورم سوگند ایران، من به قرآن مجید
برخلاف آنچه خواهد اهرمن می سازمت
یاعلی گویان تو را ای خاک فردوس آشنا
همره این ملت، ای ایران من می سازمت



زخم شیطان

سلسله ترورهای هدفمند دانشمندان هسته‌ای ایران در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ انجام گرفت. طی این سال‌ها، مجید شهریاری، مصطفی احمدی روشن، مسعود علی محمدی و داریوش رضایی نژاد به شهادت رسیدند.

دشمن با هدف متوقف کردن پروژه‌های هسته‌ای، این دانشمندان را شهید کرد. منافقانی که از حمایت‌های مالی «موساد»^۱ بی‌بهره نبودند، این جنایات را در داخل کشور دنبال می‌کردند و غافل بودند از اینکه ریشه این اندیشه‌ها در خاک این سرزمین است و نابودنش‌نی است!^۲



۱. موساد: نام سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل است.

۲. برای مطالعه بیشتر، نک: محمد امین آبادی، شلیک به دانش.



اگر که شوکت این باغ، به چشم تنگ تو خارا است
به گوش خود بسیار: این فقط شروع بهار است!
به تیغ و دشنه تن ما، نکرده پشت به میدان
و نیز جای سر ما، نه شانه که سر دار است
از آن گلی که شکستید، هزار غنچه بروید
مباش در پی شاهد، فزون ز حد شمار است
به شهریاری شهر شرف رسیده هر آن کس
که مرگ در نظرش، جز میان معرکه عارا است
هلا سیوف برهنه! شما و سینه چاکم
که بی قراری ایل از صدای پای سوار است
شکستن گل اگرچه نشانده غم به دل باغ
به جاده لاله نشانندن، به پیشوازی یارا است^۱

محمد رضا وحیدزاده



۱. محمد رضا وحیدزاده، روزنامه رسالت، ش ۷۴۶۱، صفحه شعر و ادب.





فتنه ۱۳۸۸

پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، قبل از بازگشایی صندوق‌های رأی و شمارش آرا، دو تن از کاندیداهای ریاست جمهوری خود را پیروز قطعی انتخابات اعلام کردند. همین داوری کورکورانه و زود هنگام باعث شد دشمنان قسم خورده این مملکت و دشمنان دیرینه اسلام، خیابان‌های پایتخت را به صحنه درگیری تبدیل کنند و در همین بین، سران فتنه نیز آشوبگران را بیش از پیش تحریک می‌کردند. اما سرانجام اتفاقی بزرگ رخ داد که برای همیشه جریان حق را از باطل جدا کرد و آن، شادی کردن و کف و سوت زدن آشوبگران، آن‌هم نه در یک روز معمولی، بلکه در روز عاشورای حسینی علیه السلام بود.^۱

فتنه شاید روزگاری اهل ایمان بوده باشد
 آه! این ابلیس شاید روزی انسان بوده باشد
 فتنه شاید در لباس میش، گرگی تیزدندان
 در لباسی تازه شاید فتنه چوپان بوده باشد
 فتنه شاید کنج پستوی کسی، لای کتابی
 فتنه لازم نیست حتماً در خیابان بوده باشد



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: مصطفی غفاری، فتنه تغلب.



فتنه شاید در صف صفین می جنگیده روزی
فتنه شاید در زمان شاه، زندان بوده باشد!
فتنه شاید با امام، از کودکی همسایه بوده
یا که در طیارهٔ پاریس تهران بوده باشد
فتنه شاید تابی از زلف پریشان نگاری
فتنه شاید خوابی از آن چشم فتنان بوده باشد
فتنه شاید اینکه دارد شعر می خواند برایت
وامصیبت! فتنه شاید از رفیقان بوده باشد
ذره‌ای بر دامن اسلام ننشیند غباری
نامسلمانی اگر هم نام سلمان بوده باشد
دورهٔ فتنه است، آری، می شناسد فتنه ها را
آن که در این کربلا عباسی دوران بوده باشد
فتنه خشک و تر نمی داند، خدایا وقت رفتن
کاشکی دستم به دامان شهیدان بوده باشد!^۱

مهدی جهاندار





غزل ایستادگی / ۱۵۰





جلوه بصیرت

حماسه ۹ دی ۱۳۸۸، نماد عزت و استقلال و بصیرت مردمی است که تا پای جان برای حفظ اصول اسلام و آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند. مردم در روز ۹ دی در سراسر کشور به خیابان‌ها آمدند و با صدای رسا اعلام کردند که اگر دشمن در برابر دین آن‌ها بایستد، در برابر تمام دنیای آن‌ها خواهند ایستاد. روز نهم دی‌ماه در تاریخ انقلاب اسلامی با عنوان روز «بصیرت» تبدیل به «یوم‌الله» و ماندگار شد.

می‌توان گفت نهم دی، روز غلبه جنود الهی بر جنود شیطان است، روز خروش ملت ایران و آشکار ساختن خشمی مقدس است در برابر اهانت و حرمت‌شکنی عده‌ای غافل یا مزدور وابسته به اجانب به مقدسات در روز عاشورای حسینی. نهم دی روز «نه» گفتن ملت ایران به سران فتنه و «آری» گفتن به نظام اسلامی و بیعت مجدد مردم با آرمان‌های والای امام خمینی رحمته‌الله علیه و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: مصطفی غفاری، فتنه تغلب.



دیشب ورق زدم صفحات کتاب را
خواندم هزار مرتبه این حرف ناب را
«باشم و یا نباشم اگر در میانتان
دست غریبه ها ندهید انقلاب را»
حالا در این زمانه تردید، عده ای
گم کرده اند عجیب، مسیر صواب را
از بس اسیر وسوسه نفس گشته اند
باور نموده اند فریب سراب را
در انعکاس پرتو خورشید پرفروغ
حاشا کنند روشنی آفتاب را
تا اینکه در ادامه بغض یزیدیان
رو کرده اند دشمنی بی حساب را
دراز دحام شک و هیاهوی تفرقه
از چهره ها زدند کناری نقاب را
روز دهم، به ماتم ارباب کف زدند
در خون زدند دیده پیر و شباب را
بدتر از آن، که عده ای از بی بصیرتی
دامن زدند آتش این التهاب را
کم کم عتاب رهبری و نعره خواص
بیدار کرد مردم رفته به خواب را



تکرار شد نبرد «ابابیل» و «ابرهه»
دیدند باز شأن نزول عذاب را
گیرم که در تلاطم دریای بیکران
بازی کنند نقش کف روی آب را
موجی بزرگ آمد و با یک اشاره‌ای
درهم شکست هیبت پوچ حباب را
دست خدا درآمده از آستین یار
انداخت دور گردنِ فتنه، طناب را
بگرفت جان تازه و دلگرم شد چو مهر
هرکس شنید خطبه «فصل الخطاب» را
الحق، علم به دست علمدار فاطمی ست
فهمیده ایم حکمت این انتخاب را



آینَ عَمَّار؟!

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در برخی از سخنرانی‌ها، به خصوص در فتنه ۱۳۸۸، جمله معروف «آینَ عَمَّار» را با ذکر برخی نکات برای مردم بیان کردند و «عمار» را به عنوان فردی شاخص معرفی کردند.

«عمار بن یاسر» مَکَنَّا به «أبی یقظان» از صحابه نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از یاران باوفای امیرمؤمنان علیه السلام بود. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت برانگیخته شد، عمار جزو نخستین افرادی بود که به آن حضرت ایمان آورد. وی در تمامی جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضور یافت و در رکاب آن حضرت، با تمام توان، با دشمنان اسلام مبارزه کرد. او پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از معتقدان به ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام بود و در این راه مانند سایر اصحاب باوفای آن حضرت، در عرصه‌های مهم سیاسی و اجتماعی در کنار امیرمؤمنان علیه السلام بود و هیچ‌گاه از ایشان فاصله نگرفت. ولایت‌مداری و بصیرت و افشاگری درباره منافقان و عافیت‌طلب‌ها از ویژگی‌های بارز عمار بود.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: عزت‌الله معتمد، آین عمار، بررسی و تبیین شخصیت صحابه بزرگ و ممتاز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.



دیگر از این همه نیرنگ به تنگ آمده است
با علی لشکر شیرنگ به جنگ آمده است
هان ببینید چه دندان به غضب می ساینند
که به پیکار «علی» شیر عرب می آیند
فاش پیدا است که از غیظ برافروخته اند
و چه کین ها که در انبان دل اندوخته اند
ظاهراً غصه میراث پیمبر دارند
تا علی را مگر از مسند دین بردارند
پس چه در خانه نشستیم؟ علی تنها ماند
منتظر بهر چه هستیم؟ علی تنها ماند
پای در معرض حفره است، مراقب باشیم
کوفه آبستن کفر است، مراقب باشیم
با ولی باش، مگو راه ولایت سخت است
آن که هم پای ولایت نرود، بدبخت است
این چه فتنه است که آفت زده ایمان ها را
«أَيْنَ عَمَّار» که روشن بکند جان ها را؟!
«أَيْنَ عَمَّار» که تبیین حقایق بکند
«أَيْنَ عَمَّار» که از دست شما دق بکند؟
خصم در گوشه نشسته است که تزویر کند
نکند باز تو را فتنه زمین گیر کند



نکند با شتر معرکه همراه شوی
نکند مثل «بنی ساعده» گمراه شوی
خصم خصم است، ولو یار نماید خود را
در پس دینِ تو انکار نماید خود را
دشمن این مرتبه قرآن سرنی خواهد برد
آن که مرد است، به این مسئله پی خواهد برد
نیزه نیزه است، ولو بر سراو قرآن ها
کفر کفری است که برخاسته از ایمان ها
نیزه نیزه است و در این قائله خون خواهد ریخت
کفر از این سجده بی مغز، برون خواهد ریخت...



مقاومت

پس از انقلاب اسلامی، تحریم‌ها علیه ایران شکل گرفت و در پی برنامه هسته‌ای ایران، شدت بیشتری یافت. برنامه هسته‌ای ایران از سال ۱۳۸۵ به دنبال ارجاع پرونده جمهوری اسلامی ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، با تحریم‌های مختلفی مواجه شد. تحریم‌های ایران را از نظر تحریم‌کنندگان می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: تحریم‌های چندجانبه مانند تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل؛ تحریم‌های اتحادیه اروپا؛ تحریم‌های تک‌جانبه از سوی کشورهای مختلف مانند ایالات متحده و تحریم‌های کنگره آمریکا.

در این میان، ایستادگی و مقاومت در برابر تحریم‌های اقتصادی، کشور را در برابر بسیاری از نیازهای راهبردی و حیاتی، خودکفا ساخته است.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: مرتضی رفیعی بصری، تحریم ایران در دوران اوباما.



...یادمان رفت که پرورده در این تحریمیم
سی واندی است که بنشسته بر این تحریمیم
این خدا بود که ما را به کسی وانگذاشت
بین گرگان زمینی، تک و تنها نگذاشت
نیست اغراق که ما اهل گلستان بودیم
دورمان آتش و بنشسته به بستان بودیم
کید دشمن همه بر روی خودش نعمت شد
و چنان گشت که تحریم بسی نعمت شد
نه مگر نعمت تحریم به ما باور داد؟
غیرتی را که به ما داد چه شد؟ رفت از یاد؟
زیر رگبار بلا بر تن ما جوشن داد
«همت» و «باکری» و «احمدی روشن» داد
آن که حق یاور او بود، چه غم خواهد داشت؟
باور و غیرت اگر داشت، چه کم خواهد داشت؟
من نگفتم که ز تحریم دگر رنجی نیست
حرفم این است که بی رنج ولی گنجی نیست
آه، ای قوم بگوئید که ما را چه شده است
جز خدا دیده ما باز به سوی که شده است...



یادمان رفته توکل، فهو نعم وکیل
 یادمان رفته مگر قاعده نفی سبیل^۱
 ذلت و خواری و تحقیر ندارد جایی
 نزد اصحاب وفایشه عاشورایی
 نان خشکی که به انبان علی پنهان است
 بهتر از مآذبه آل ابوسفیان است
 بارها رهبر ما گفت: اگر بیدارید
 ای به امید کسان خفته، ز خود یاد آرید!
 جز به دست خودتان مشکلاتان آسان نیست
 راه حل در نیویورک و ژنو و لوزان نیست
 بشنود ملت ما این سخنان را ای کاش!
 ما که گفتیم، خدایا تو خودت شاهد باش!

سیدروح الله موسوی کاشمری



۱. قاعده «نَفْيِ سَبِيل» قاعده‌ای فقهی است که هرگونه تسلط کافر بر مسلمان را ممنوع می‌کند. برای اثبات این اصل، به آیه ۱۴۱ سوره نساء استناد شده است.





درخت بی ثمر

«برجام» یا برنامه جامع اقدام مشترک یا توافق هسته‌ای ایران یا توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین، در راستای توافق جامع درباره برنامه هسته‌ای ایران در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش، بین ایران و اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، انگلیس، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد. براساس این توافق، بنا شد ایران ذخایر اورانیم غنی شده متوسط خودش را پاک‌سازی کند و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع کند و تعداد سانتریفیوژها را کاهش دهد و ... در مقابل، از تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد و اتحادیه اروپا و ایالات متحده (تحریم‌های ثانویه) بیرون آید.

در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، رسماً از برجام خارج شد و بازگشت تحریم‌ها به صورت گذشته را اعلام کرد.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: زهرا صادقی نقدعلی، برجام.



تا ابد، سستی تسلیم مبادا با ما
وحشت از حربۀ تحریم مبادا با ما
باز تحریم جدیدی به سنا رفت که رفت
جسم برجام چو روحش به فنا رفت که رفت
ذوق بیهوده ز برجام، خطا بود خطا
تکیه بر عهدِ «عمو سام»^۱، خطا بود خطا
عهد با دزد سرگردنه بستیم ای دوست
بارها عهد شکست و نشکستیم ای دوست
هرچه می شد بُرد از کیسۀ ما بُرد که بُرد
«بُرد بُرد» این بُود آری، همه را بُرد که بُرد
گفته بودند که دشمن به تجارت آمد
پیر ما گفت که: البتّه به غارت آمد
خواب دیدند صلاح از طرف بیگانه است
به خود آییم، نجات همه در این خانه است
کارزار است، قدم قاطع و محکم بردار
سخن از صلح بگو، اسلحه را هم بردار!
دل به لبخندش اگر باخته‌ای، باخته‌ای
گر ز اخمش سپر انداخته‌ای، باخته‌ای...



۱. عمو سام، نماد شخصیتی برای دولت ایالات متحده آمریکا است.



آری آرامش ما مَرَد خطر می طلبد
صبح پیروزی ما خون جگر می طلبد...
ذوالجناح از نفس این بار نخواهد افتاد
عَلَم از دست علمدار نخواهد افتاد...^۱





من انقلابی‌ام

«انقلابی‌گری» از موضوعات پرتکرار در بیانات سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای از آن به‌عنوان «راه پیشرفت ایران اسلامی» یاد می‌کنند. تأکید بر روحیه و گفتمان «انقلابی‌گری» و تجلیل از «انقلابی‌ها» طی چند سال اخیر، جایگاهی ویژه در ادبیات رهبر معظم انقلاب پیدا کرده و ایشان به مناسبت‌های مختلف به این موضوع ضریب داده و به تبیین ابعاد و اثرات آن پرداخته‌اند؛ چراکه عامل موفقیت و پیروزی جمهوری اسلامی، ایستادگی مقتدرانه مقابل دشمنان بشریت و حفاظت از منافع ملی خود و در یک کلمه «اسلام انقلابی» است.^۱

من انقلابی‌ام

ایستاده بر «پیچ بزرگ تاریخ»

و با انگشت اشاره‌ای جهان را به میدان «التحریر» تبدیل

می‌کنم.

من انقلابی‌ام

مادر هفتاد و هفت ساله «ابراهیم باروود»

بیست و هفت سال است



۱. برای مطالعه بیشتر: سایت khamenei.ir، ۴ بهمن ۱۳۹۵.



بر دروازه غزه در انتظار فرزندم نشسته‌ام.
مذاکره کرده‌ام با تنها پسر که برای آزادی‌اش با هیچ شیطانی
مذاکره نکنم.

من انقلابی‌ام

«ضحی»

دختر سه‌ساله «ریم صالح الریاشی»
نام مادرم ستاره شیطان را درهم ریخته است
سطر به سطر صفحات دفتر مشقم یک جمله است:
مادربه‌تنهایی می‌جنگد
مذاکره کردم با مادرم که فریب لبخند هیچ دیپلمات عربی را
نخورم...

من انقلابی‌ام

جوانی از «اسلام شهر»

مهم‌ترین قرار زندگی‌ام را

گذاشته‌ام

هر سال ۲۲ بهمن

میدان آزادی

با بچه‌های محل مذاکره کرده‌ایم که بر پلاکاردمان بنویسیم:
«حق با شماست، ما برای ساندیس آمده‌ایم؛ اما ناموساً مرگ بر
آمریکا»...



من انقلابی ام
کودکی از محروم ترین محله زاهدان
«یزدان»
تفنگ ندارم
اما تا خدا هست، با ارتش شیطان مذاکره نمی کنم
من انقلابی ام
تنها با اشاره ای
بدون هیچ مذاکره ای
تمام روزهای تقویم را خط می زنم
و به جای آن ها می نویسم
نهم دی ...
من انقلابی ام
دیپلمات نیستم
و تنها پای میز مذاکره ای می نشینم که «انقلابم» را صادر کند.^۱

سیدیوسف مرادی





مهاجران الی الله

فاجعه «منا» در ۲ مهر ۱۳۹۴ هم‌زمان با عید قربان در مراسم رمی جمرات در شهر مکه رخ داد و منجر به کشته شدن زائران بیت‌الله الحرام شد. دلیل این فاجعه ازدحام حجاج اعلام شده است. مقامات رسمی عربستان دو روز پس از وقوع حادثه، تعداد جان‌باختگان را ۷۶۹ نفر اعلام کردند. حال آنکه با توجه به مشاهدات میدانی صورت گرفته، جمعیتی در حدود ۸۰۰۰ نفر در این واقعه جان باختند.

تعداد جان‌باختگان ایرانی ۴۶۴ نفر اعلام شده است. این واقعه مرگبارترین رویداد تاریخ حج است و در پی آن، سه روز عزای عمومی در ایران اعلام شد. پس از مذاکرات سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی ایران با مسئولان عربستان و استمرار کارشکنی‌های دولت سعودی، سفر حج در سال ۱۳۹۵ برای ایرانیان لغو شد.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: سعید اوحدی، شرح غم بار فاجعه منا.



آشفته کن ای غم، دل طوفانی ما را
انکار کن ای کفر، مسلمانی ما را
شوریده سران صف عشقیم، مگر تیغ
مرهم بنهد زخم پریشانی ما را
بر قامت ما پیرهن زخم بدوزید
تا پاک کند تهمت عریانی ما را
زین پیش حرامی صفتی در حرم عشق
نشکست چنین حرمت مهمانی ما را
ای زخم شکوفا، بگشا در سحر عشق
گلخانه در بسته پیشانی ما را
از کرب و بلا با عطش و زخم رسیدیم
یا رب بپذیر این همه قربانی ما را

علیرضا قزوه







مدافعان حرم

این اصطلاح پس از تخریب مقبرهٔ حجرین عدی توسط گروه‌های تروریستی داعش و تهدید این گروه‌ها مبنی بر حمله به حرم حضرت زینب علیها السلام، در اوایل سال ۱۳۹۲، وارد ادبیات اجتماعی شد. نیروهایی که برای دفاع از حرم حضرت زینب علیها السلام و دیگر حرم‌های اهل بیت علیهم السلام داوطلبِ مقابله با داعش می‌شدند، با عنوان «مدافعان حرم» شناخته می‌شدند.

مدافعان حرم برای پاک‌سازی وجود منحوس داعش از منطقه، تلاش‌های ارزشمند و جان‌فشانی‌های بی‌مانندی انجام دادند. در این راه، انسان‌های نیک‌سرشتی به شهادت رسیدند. شهید محسن حججی یکی از شهدای والامقام این مسیر است که با شهادت خود، ضربهٔ سهمناکی به ریشهٔ شرارت‌خیز داعش وارد کرد. طوری که داعش رسماً از قاموس ادبیات نظامی و سیاسی منطقه پاک شد.^۱ اشعاری که در ادامه می‌خوانیم، به شهید محسن حججی و دیگر شهیدان مدافع حرم تقدیم شده است.



۱. برای مطالعهٔ بیشتر، نک: مدافعان حرم.



آن روز که با دعای مادر رفتی
از اوج حماسه هم فراتر رفتی
از بس که تو عاشق شهادت بودی
با پای دل آمدی و با سر رفتی

**

با قافله شهید، گلگون آمد
دیوانه تر از هزار مجنون آمد
آن روز در آزمون رفتن، محسن
بی سر شد و سربلند، بیرون آمد

**

در خاک دمشق، ترک سر خواهیم کرد
می جنگم و سینه را سپر خواهیم کرد
در گفتن لبیک به زینب، یک روز
با بدرقه تیر، سفر خواهیم کرد

**

خشکیم و پیام خیس باران داریم
چون تشنه لبان به آب ایمان داریم
صد بار به رسم سبز عاشق بودن
جان باختیم و باز هم جان داریم

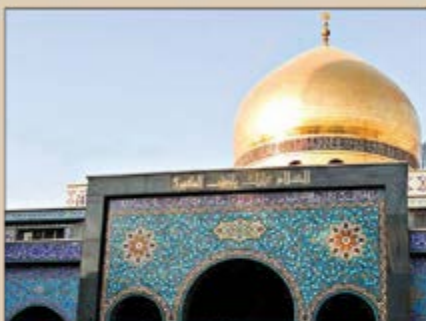
**



پاییز پیام کوچ برگی سرخ است
خندیدن گل زیر تگرگی سرخ است
بر لاله چرا کفن بپوشم وقتی
زیبایی زندگی به مرگی سرخ است

هادی فردوسی







مرگ تکفیر

«سلفی تکفیری» در ادبیات سیاسی روز، توصیف گروه‌هایی در حال رشد از مسلمانان تندروی سنی است که متمایل به وهابیت‌اند. سلفی تکفیری‌ها ورای نگاه سنتی به فقه، حق تکفیر و صدور حکم ارتداد دیگر مسلمانان را برای خود محفوظ می‌دانند و مجازات مربوط به آن، مانند اعدام را خودشان اجرا می‌کنند. جریان تکفیری که در کشورهای منطقه تحت عنوان «داعش» و با حمایت مالی و نظامی و فرهنگی کشورهای عربستان و جهان استکبار، به جنایات مذبح‌خانه‌ای دست می‌زد، با تلاش‌های رزمندگان جبهه مقاومت سرنگون شد.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: سیدمهدی نورانی، داعش؛ از کاشت تا برداشت.



...روضهٔ مشک رسیده ست به بی‌آبی‌ها
خون حق می‌چکد از ابروی محرابی‌ها
باز هم حرمله، سر جوخهٔ وهابی‌ها
کوچه پس‌کوچهٔ آینده، به خون تر شده است
باز بوزینهٔ کابوس، به منبر شده است
خط و ربط عرب‌ای کاش که کاشی‌گردند
تا حرم، هم سفر قافله باشی‌گردند
لاشه‌خواران سقیفه تلاشی‌گردند
می‌زند قهقهه، «القارعه» بر خامی‌شان
خون دین می‌چکد از دولت اسلامی‌شان
بنویسید: تب ناخلفی‌ها ممنوع!
هدف آزاد شده، بی‌هدفی‌ها ممنوع!
در دل عرش، ورود سلفی‌ها ممنوع!
عرش یک روضهٔ فاش است که داغ و گیر است
عرش گفتیم که نام دگر سامراست...
تا «بهار عربی» روی علف باز کند
جبهه در شام و عراق از سه طرف باز کند
وای اگر دست کجی پا به نجف باز کند!
عاشق شیر خدا، وارث شمشیر خداست
سینهٔ سنی و شیعه سپر شیر خداست...



بی جگرها جگر حمزه به دندان گیرند
انتقام اُخْد و بدر ز طفلان گیرند
چه تقاصی ز لب قاری قرآن گیرند
بیشتر ز آنکه از این قوم، بدی می جوشد
از زمین غیرت حجر بن عدی می جوشد...
سنگ تکفیر به آیینۀ مذهب؟ هیهات!
ذوالفقار علی و رحم به مَرَحَب؟ هیهات!
دست خولی طرف معجز زینب؟ هیهات!
ما نمک خورده عشقیم، به زینب سوگند
پاسبانان دمشقیم، به زینب سوگند
داس تکفیر، گل از ریشه بچیند؟ هرگز!
کفر بر سینۀ توحید نشیند؟ هرگز!
مرتضی همسر خود کشته ببیند؟ هرگز!
پایتان گر طرف کرب و بلا باز شود
آخرین جنگ جهانی حق آغاز شود...!

احمد بابایی





بحرین

خیزش ۲۰۱۱ بحرین، مجموعه‌ای از راهپیمایی‌ها و اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی در این کشور است که بخشی از اعتراضات جهان عرب به‌شمار می‌رود. خواسته‌های اصلی معترضان بحرینی شامل برکناری شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، نخست‌وزیر و پسرعموی امیر بحرین که از سال ۱۹۷۱ ریاست دولت را در اختیار دارد و آزادی زندانیان سیاسی و تدوین یک قانون اساسی جدید است.

در ۱۵ مارس، هم‌زمان با ورود وزیر دفاع آمریکا، رابرت گیتس، نیروهای نظامی عربستان و با فاصله چند روز نیروهای اماراتی راهی بحرین شدند. به دنبال آن برخورد خشن و خونی با مردم معترض صورت گرفت که ۱۰ کشته و صدها زخمی به جا گذاشت.

تظاهرات و حرکات اعتراضی مخالفان و سرکوبی آن به وسیله حاکمیت بحرین با کمک نیروهای نظامی عربستانی و اردنی، دستگیری، صدور حکم اعدام و اعمال فشارهای جسمی که در مواقعی منجر به مرگ می‌شود، همچنان ادامه دارد.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: مجتبی نیک‌رهی و مهتاب غفوری، انقلاب بحرین.



باز از بام جهان بانگ اذان لبریز است
مثنوی بار دگر از هیجان لبریز است
بحر آرام دگر باره خروشان شده است
ساحل خفته پراز لؤلؤ و مرجان شده است
دشمن از وادی قرآن و نماز آمده است
لشکر ابرهه از سوی حجاز آمده است
با شما مییم، شمایی که فقط شیطانی است
دین اسلام، نه اسلام ابوسفیانی است
با شما مییم که خود را خبری می دانید
و زمین را همه ارث پدیری می دانید
با شما مییم که در آتش خود دود شدید
فخر کردید که هم کاسه نمرود شدید
گردباد آتش صحراست، بترسید از آن
آه این طایفه گیراست، بترسید از آن
هان! بترسید که دریا به خروش آمده است
خون این طایفه این بار به جوش آمده است
صبر این طایفه وقتی که به سر می آید
دیگر از خرد و کلان، معجزه برمی آید
سنگ این قوم که سجیل شود، می فهمید
آسمان غرق ابابیل شود، می فهمید



پاسخت می دهد این طایفه با خون اینک
ذوالفقاری ز نیام آمده بیرون اینک
هان! بخوانید که خاقانی از این خط گفته است
شعرا یوان مدائن به نصیحت گفته است ...
بانگ هیهات حسینی است، رسیده ست ز راه
هر که دارد هوس کرب و بلا، بسم الله^۱

سید حمیدرضا برقعی





تکیه بر خویشتن

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم‌شده است. اقتصاد مقاومتی در ایران اولین بار در دیدار کارآفرینان با آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در شهریور ۱۳۸۹ مطرح شد. ایشان اقتصاد مقاومتی را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی کرد و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی دو دلیل ارائه کرد:

۱. فشار اقتصادی دشمنان؛

۲. آمادگی کشور برای جهش.

رویکرد اقتصادی ایران تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» غالباً در برابر اقتصاد تحت سیطره غرب دیده می‌شود. پس از تشدید تحریم‌ها علیه ایران در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران این شیوه را ترویج کرد. رهبر معظم انقلاب در سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۹۲، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را به مسئولان ابلاغ کرد. به اعتقاد ایشان، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی برون‌نگر و درون‌زاست؛ ولی درون‌گرا نیست.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: عادل پیغامی، درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی.



بیا ز همت خود بهر خاک چاره کنیم
بهار عزت این خاک را نظاره کنیم
کنون که تیشه دشمن به کندن خاک است
بیا اراده محکم به تن دوباره کنیم
اگر که بند شد این اقتصاد ما اکنون
بیا که بند از این اقتصاد، پاره کنیم
شعار ما چو عمل گشت همره اقدام
به اقتصاد مقاوم، وطن ستاره کنیم
وفا به عهد نبینی ز پنج و یک امروز
بیا بدون عدو، خاک خود اداره کنیم
چو دست وحدت ما گل دهد بسی در خاک
بیا به وحدت خود این وطن بهاره کنیم
چو لطف کار و عمل گل دهد به این بازار
بیا به رونق بازار خود اشاره کنیم
چو امر پاک ولی، قوت است در این خاک
بیا به امر ولی بهر خاک چاره کنیم^۱

محمد علی ذوالفقاری (ناظم سرخسی)





چهل بامداد

چهل در فرهنگ اسلامی ایرانی، عدد تکامل است؛ ازاین‌رو چهل‌سالگی انقلاب به معنای استحکام بنیان‌های فکری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. از میان ملت‌های زیر ستم، کمترملتی به انقلاب همت می‌گمارد، در میان ملت‌های انقلابی نیز کمتر دیده شده که کار را به نهایت رسانده و جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند.

انقلاب پرشکوه ملت ایران بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید و تنها انقلابی است که یک چلهٔ پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همهٔ وسوسه‌هایی که مقاومت‌ناپذیر به نظر می‌رسیدند، از کرامت و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحلهٔ خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. چهل سال، زمانی کافی است برای اینکه آرمان‌ها و خواسته‌های یک ملت ملکهٔ ذهنشان شود.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: محسن آشتیانی، رموز اسرارآمیز عدد چهل.



به نیروی توحید و اسلام ناب
چهل ساله شد عمر این انقلاب
چهل سال پیروزی مستدام
چهل سال امت کنار امام
چهل سال سرمست جام ولا
چهل سال با خصم گفتیم: «لا»
چهل سال عشق و چهل سال شور
چهل سال فرمانروایی نور
چهل سال دل، بوستان خلیل
چهل سال نمرود، خوار و ذلیل
چهل سال نابودی قوم فیل
چهل سال فرعون در قعر نیل
به آل محمد، به قرآن قسم
به روح بلند شهیدان قسم
که دوران این نهضت جاودان
بود تا ظهور امام زمان
سپاه امام زمانیم ما
خدا وعده داده بمانیم ما
به تهدید، ما زنده تر می شویم
به تحریم، توفنده تر می شویم



چو مشت گره کرده در وحدتیم
به نیروی وحدت، ابرقدرتیم
شرف، عشق و آزادگی هست ماست
سلاح خداوند در دست ماست
محال است با یاری ذوالجلال
که خون شهیدان شود پایمال
شرف، استقامت، وفا، یار ماست
خداوندِ عالم نگهدار ماست



گام دوم انقلاب

گام دوم انقلاب، بیانیه‌ای است که رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام، آن را به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر کردند و در آن برای استمرار راه انقلاب اسلامی، دستاوردهای چهل سال گذشته انقلاب را تبیین کرده‌اند. ایشان در این بیانیه با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» توصیه‌هایی ارائه می‌دهد و ملت ایران و به‌ویژه جوانان را مخاطب قرار داده و مسئله برداشتن «گام دوم» به سوی آرمان‌های انقلاب اسلامی را توضیح می‌دهد.

انقلاب بزرگ اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که دشمنان مستکبرش، همچنان گمان‌های باطلی در سر دارند؛ اما دوستانش در سراسر جهان، این انقلاب را در گذراز چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند.

بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان و به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: گام دوم، تهران: انقلاب اسلامی.



عزیز کرد خدا انقلاب مردم را
رسیده ایم به اقدام، گام دوم را
گذشت چلهٔ این انقلاب چل ساله
هزار مرتبه سرمستی است این خُم را
شکوه و هیبت اسلام رفت تا خورشید
شکست داد در این قصه قیصر رُم را
همیشه کشتی این انقلاب پابرجاست
عبور می کند این نور، هر تلاطم را
به مار خوش خط و خالِ فریب تن ندهیم
چشیده ایم به گرات، نیش کژدم را
پراز امید به آینده رهسپار شدیم
که دفع می کند امید، هر تهاجم را





سردار ولایت

سردار قاسم سلیمانی در ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ در کرمان دیده به جهان گشود. او فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که به‌عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرد. حاج قاسم در طول جنگ ایران و عراق، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان بود. وی در ۴ بهمن ۱۳۸۹ درجهٔ سرلشکری دریافت کرد. رهبر معظم انقلاب وی را «شهید زنده» نامیده بود.

سردار شهید قاسم سلیمانی نقش مهمی در دادن قدرت نظامی به حزب‌الله لبنان، عقب‌راندن اسرائیل از جنوب لبنان، جنگ افغانستان، شکل‌دهی فضای سیاسی عراق پس از سرنگونی صدام حسین، تغییر روند جنگ داخلی سوریه و مقابله با داعش در عراق داشته است.

سردار سپهبد قاسم سلیمانی در بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸، در فرودگاه بغداد، با حملهٔ پهپاد آمریکایی به شهادت رسید و در ایران سه روز عزای عمومی اعلام شد. در ۱۴ دی ۱۳۹۸، پیکر مطهر او و هم‌رزم شهیدش، ابومهدی المهندس و سایر شهیدان عملیات تروریستی فرودگاه بغداد، در شهر بغداد و کاظمین تشییع شد. هزاران نفر از مردم عراق در این مراسم حضور یافتند. پس از آن، پیکر این شهیدان به ترتیب در شهرهای اهواز، مشهد، تهران، قم و کرمان تشییع شد. در مراسم تشییع در تهران، جمعیت چند میلیونی



مردم گرد آمده بودند و برخی از رسانه‌ها آن را شلوغ‌ترین مراسم تشییع پس از تشییع امام خمینی رحمۃ الله علیه می‌دانستند. شهادت حاج قاسم سلیمانی و تشییع جنازهٔ حیرت‌آور پیکر مطهر او، نقطهٔ عطفی در تاریخ معاصر ایران شد.^۱

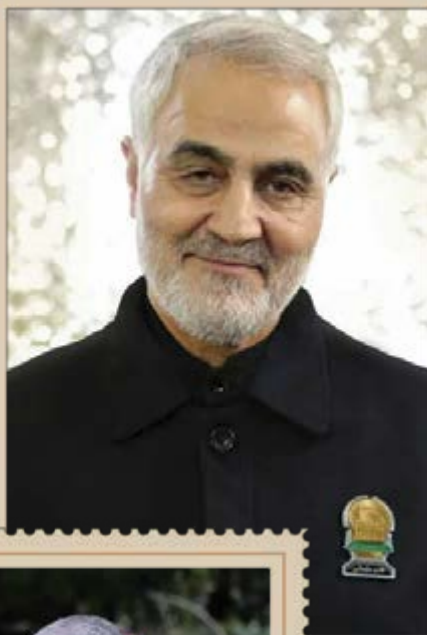
مرا یاد است سطری بی بدیل از شعر خاقانی
 «که سلطانی است درویشی و درویشی است سلطانی»
 الا روح صداقت، معنی ایثار و آگاهی
 جهان غرق است در خودبینی و تزویر و نادانی
 تویی از عاشقانِ سربه‌زیر و سربلندِ ماه
 تویی از اهل بیت عشق، ای خورشیدپیشانی!
 دمی که با شهیدانِ خدایی راز می‌گویی
 تو حتی می‌توانی قدسیان را هم بگریانی
 چه رازی خفته در جان تو، ای آئینهٔ ایمان
 که روحانیت تو آبرو داده به روحانی
 نوشتی دیو نفست را ببر اول به قربانگاه
 به روی خاتم انگشترت با خط دیوانی



۱. برای مطالعهٔ بیشتر، نک: مرتضی کرامتی مشکینی، سرباز ولایت.



خلیل خودشکن کم دیده‌ام، چونان تو در میدان
که اسماعیل جان را می‌کند هر روز قربانی...
الا پیر خراسانی، مریدی این چنین داری
سبق برده‌ست از رستم مگر این گُرد کرمانی
سلام ما به این ظلمت‌شکن، ماه بلند اختر
درود ما به آن خورشید، آن پیر خراسانی
صدای پارسایان از عراق و شام می‌آید
مگر ایران برون آرد جهان را از پریشانی
یهودایند این از گرگ بدتر، این برادرها!
نیفتی در درون چاه کنعان، یوسف ثانی
الا ای قاسم فتح درخشان، فتح دیگر کن
که خصلت‌های قاسم داری و خوی سلیمانی
در این میدان فراوان مدعی دیدم، مگر آخر
نگین قدس را از دست اهریمن تو بستانی





به سوی ظهور

از منظر شیعیان، حکومت و دولت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه او از شرق تا غرب دنیا را فراخواهد گرفت؛ بنابراین مهم‌ترین ویژگی حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرارگرفتن جهان تحت مدیریتی واحد و کارآمد است؛ به طوری که خودرأیی‌ها، مقام‌پرستی‌ها و خودمحوری‌ها از بین خواهد رفت و همه بر فرمان‌برداری از یک فرمانروای مقتدر جهانی اتفاق خواهند داشت.

انتظار فرج یعنی چشم‌به‌راه‌بودن، همراه با امید و بسترسازی برای پیروزی نهایی حق بر باطل، گسترش جهانی صلح، عدالت و ایمان اسلامی و استقرار دولت حق در سراسر گیتی به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.^۱



۱. برای مطالعه بیشتر، نک: علیرضا پناهیان، انتظار عامیانه، عالمانه، عارفانه.



فروغ بخش شب انتظار آمدنی است
رفیق آمدنی، غم گسار آمدنی است
به خاکِ کوچه دیدار، آب می پاشند
بخوان ترانه، بزن تار، یار آمدنی است
ببین چگونه قناری ز شوق می لرزد
مترس از شبِ یلدا، بهار آمدنی است
صدای شیهه اسب ظهور می آید
خبر دهید به یاران: سوار آمدنی است
بس است هرچه پلنگان به ماه خیره شدند
یگانه فاتح این کوهسار آمدنی است^۱

مرتضی امیری اسفندقه



۱. مرتضی امیری اسفندقه، روزنامه جام جم، ش ۲۵۴۱، صفحه ۲۰.



کتابنامه

کتاب‌ها

۱. ابراهیمی، جعفر، گل‌های خنده، چ ۱، تهران: سورۀ مهر، ۱۳۷۵.
۲. اتابکی، تورج، ایران و جنگ جهانی اول، ترجمۀ مهدی حقیقت‌خواه، چ ۳، تهران: ققنوس، ۱۳۹۸.
۳. احمدی‌فر، محمدرضا، آوازهای ابری، چ ۱، بوشهر: شروع، ۱۳۸۵.
۴. ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق، دیوان کامل ادیب الممالک فراهانی، به اهتمام وحید دستگردی، چ ۲، تهران: فروغی، ۱۳۴۵.
۵. اسرافیلی، حسین، اسناد و اسرار عملیات مرصاد، چ ۱، تهران: مؤسسۀ فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
۶. اسرافیلی، حسین، کوه‌ها سنگ می‌زایند، چ ۱، تهران: نسیم حیات، ۱۳۸۴.
۷. امین‌آبادی، محمد، شلیک به دانش، چ ۱، تهران: خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳.
۸. امین‌پور، قیصر، گزینۀ اشعار، چ ۱، تهران: مروارید، ۱۳۷۸.
۹. اوحدی، سعید، شرح غم‌بار فاجعۀ منا، چ ۱، تهران: مرکز



اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

۱۰. آشتیانی، محسن، رموز اسرارآمیز عدد چهل، چ ۱۲، تهران: زهیر، ۱۳۹۲.

۱۱. بختیاری دانشور، داود، آن سوی شب، چ ۱، تهران: شاهد، ۱۳۸۵.

۱۲. بذرافشان، رجب، گزیده اشعار درباره انقلاب اسلامی، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.

۱۳. بهشی سرشت، محسن، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، چ ۱، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۹.

۱۴. بهشی سرشت، محسن، زمانه و زندگی امام خمینی رحمته الله علیه، چ ۱، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.

۱۵. بیگی حبیب آبادی، پرویز، غریبانه، چ ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۱۶. پناهیان، علیرضا، انتظار عامیانه، عالمانه، عارفانه، چ ۱۱، تهران: بیان معنوی، ۱۳۹۱.

۱۷. پیغامی، عادل، درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی، چ ۲، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۵.

۱۸. تابش هروی، سعادت ملوک، تصمیم شوم، جمعه خونین، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

۱۹. تابش هروی، سعادت ملوک، شکوه شهادت، چ ۱، تهران:



- کتاب سبز، ۱۳۹۵.
۲۰. جلال‌وند، فاطمه، آن روزهای نامهربان، چ ۱، تهران: موزهٔ عبرت ایران، ۱۳۸۵.
۲۱. خارکوهی، غلامرضا، انقلاب اسلامی به روایتی دیگر، چ ۱، تهران: کتابخانهٔ پیرداد، ۱۳۹۳.
۲۲. خداوردی، حسن، روابط ایران و آمریکا، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۳. خلقی، یاسر، تاریخ خرمشهر؛ دو قرن مقاومت، چ ۱، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷.
۲۴. خلقی، یاسر، دانشنامهٔ جامع آزادگان، چ ۱، تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، ۱۳۹۹.
۲۵. درودیان، محمد، جنگ ایران و عراق؛ موضوعات و مسائل، چ ۱، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
۲۶. دهقان، اسماعیل، دیوان اشعار، رشت: زربافی، ۱۳۳۱.
۲۷. ذوالفقاری، محمدعلی، راست قامتان جاودانهٔ تاریخ اسلام، چ ۱، تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۸. رجایی، غلامعلی، سیرهٔ شهید رجایی، چ ۲، تهران: شاهد، ۱۳۷۸.
۲۹. رستمی، ابراهیم، طنین همت، چ ۱، تهران: منشور وحی، ۱۳۸۳.



۳۰. رفیعی بصیری، مرتضی، تحریم ایران در دوران اوباما، چ ۱، تهران: پژواک عدالت، ۱۳۹۷.
۳۱. رنجبر کرمانی، علی اکبر، روزشمار زندگی امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ، چ ۱، تهران: عروج، ۱۳۸۹.
۳۲. سبزواری، حمید، سیری در زندگانی استاد مطهری، چ ۱، تهران: صدرا، ۱۳۹۰.
۳۳. شریف کاشانی، محمدمهدی، تاریخ مشروطیت، به کوشش سیروس سعدوندیان، چ ۱، تهران: نگارستان کتاب، ۱۳۸۹.
۳۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، در کوچه باغ های نشابور، چ ۱، تهران: سخن، ۱۳۸۹.
۳۵. شیرعلی نیا، جعفر، روایتی از زندگی و زمانه حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای، چ ۱، تهران: سایان، ۱۳۹۴.
۳۶. صادقی گیوی، امیر، مصطفی چمران؛ نگاهی به زندگی و مبارزات شهید چمران، چ ۱، تهران: میراث اهل قلم، ۱۳۹۳.
۳۷. صادقی نقدعلی، زهرا، برجام، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۳۸. صفی زاده، صدیق، تاریخ کرد و کردستان، چ ۱، تهران: آتیه، ۱۳۷۸.
۳۹. طالبی دارابی، ابراهیم، جایگاه قیام ۱۹ دی در انقلاب اسلامی، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.



۴۰. طاهری، سیدصدرالدین، ستارهٔ مجلس، چ ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۴۱. عسکری، یاسر، شهید فرهنگ، چ ۱، قم: معارف، ۱۳۹۲.
۴۲. عشقی، حمید، جنگ جهانی دوم؛ از آغاز تا فرجام، چ ۱، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی آرمان رشد، ۱۳۹۵.
۴۳. غفاری، مصطفی، فتنهٔ تغلب، چ ۱، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
۴۴. فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل، چ ۱۳، تهران: جاویدان، ۱۳۷۶.
۴۵. فردوسی، هادی، آنان همه از تبار باران بودند، چ ۱، تهران: صریر، ۱۳۸۵.
۴۶. قدیانی، عباس، فرهنگ جامع تاریخ ایران، چ ۱، تهران: آرون، ۱۳۸۰.
۴۷. کاظمی، محمدکاظم، قصهٔ سنگ و خشت، چ ۲، تهران: نیستان، ۱۳۸۴.
۴۸. کرامتی مشکینی، مرتضی، سرباز ولایت، چ ۱، تهران: قاف اندیشه، ۱۳۹۹.
۴۹. محدثی، جواد، فلسطین، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۵۰. محمودزاده، نصرت‌الله، حماسهٔ هویزه، چ ۱، تهران: عماد فردا، ۱۳۹۹.



۵۱. محمودزاده، نصرت‌الله، مدافعان حرم، چ ۹، تهران: شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۷.
۵۲. معتمد، عزت‌الله، آیین عمار؛ بررسی و تبیین شخصیت صحابی بزرگ و ممتاز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چ ۱: قم: نجفی، ۱۳۹۲.
۵۳. ملک الشعرا بهار، محمدتقی، دیوان اشعار، چ ۵، تهران: نگاه، ۱۳۹۶.
۵۴. منصوری، جواد، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۵. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، جام زهر، چ ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید شهبازی، ۱۳۸۶.
۵۶. نظری کهره، فاطمه، بنی صدر از ظهور تا سقوط، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
۵۷. نعمتی، احمد، شاهکار، چ ۱، تهران: دانش، ۱۳۳۴.
۵۸. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، چ ۱، تهران: اهورا، ۱۳۸۳.
۵۹. نورانی، سیدمهدی، داعش؛ از کاشت تا برداشت، چ ۲، تهران: مجد اسلام، ۱۳۹۴.
۶۰. نیک‌رهی، مجتبی و مهتاب غفوری، انقلاب بحرین، چ ۱، تهران: نظری، ۱۳۹۶.



۶۱. واحد، سینا، قیام گوهرشاد، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

۶۲. هراتی، عبدالحسین، سیمای سازندگی؛ زیرساخت تمدن اسلامی ۱۴۰۰، چ ۱، تهران: کلید، ۱۳۷۶.

۶۳. هیدجی، محمد، کلیات دیوان حکیم هیدجی، به تحقیق و تصحیح علی هشتروندی، تهران: کتابفروشی علویون، ۱۳۳۶.

۶۴. یاحسینی، سیدقاسم، رئیس علی دلواری؛ تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب، چ ۱، تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۱.

مجله‌ها

۱. حکیمی، محمدرضا، ماهنامه عقیدتی فرهنگی سیاسی اجتماعی پاسدار اسلام، ش ۱۶۶، ۱۳۹۱.

۲. خاتمی، احمد، «مضامین سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطه»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۱۸، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۰.

۳. سبزواری، حمید، ماهنامه شاهد یاران، ش ۱۴، تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، ۱۳۸۵.

۴. فوزی، یحیی، «چگونگی کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ



توسط عراق»، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، ش ۱۶، اراک: دانشگاه اراک، ۱۳۸۲.

۵. ملک الشعرا بهار، محمدتقی، ماهنامه عقیدتی فرهنگی سیاسی اجتماعی پاسدار اسلام، ش ۱۶۹، ۱۳۷۴.

روزنامه‌ها

۱. امیری اسفندقه، مرتضی، روزنامه جام جم، ش ۲۵۴۱، ۳ اردیبهشت ۱۳۸۸.

۲. بابایی، احمد، روزنامه قدس، ش ۱۵۲۹۳، ۲۳ مرداد ۱۳۹۳.

۳. باقرزاده، علی، روزنامه اطلاعات، ش ۲۵۶۹۷، ۱ مهر ۱۳۹۲.

۴. برقی، سیدحمیدرضا، روزنامه کیهان، ش ۲۰۶۳۱، ۱۲ آبان ۱۳۹۲.

۵. جهاندار، مهدی، روزنامه کیهان، ش ۲۱۶۵، ۲۸ خرداد ۱۳۹۶.

۶. حبیبی، حسن، روزنامه اطلاعات، ش ۱۶۴۳۳، ۱۳۶۰.

۷. محدثی خراسانی، مصطفی، روزنامه رسالت، ش ۷۳۲۰، ۳ مرداد ۱۳۹۰.

۸. مطیعی، میثم، روزنامه کیهان، ش ۲۱۶۵۸، ۶ تیر ۱۳۹۶.

۹. وحیدزاده، محمدرضا، روزنامه رسالت، ش ۷۴۶۱، ۲۸ دی ۱۳۹۰.



سایت‌ها

۱. باشگاه خبرنگاران جوان (www.yjc.ir)، سیدیوسف مرادی، ۱۳۹۱ اسفند.
۲. پایگاه خبری نسیم سرخس (<http://nasimesarakhs.ir>)، محمدعلی ذوالفقاری، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸.
۳. سایت آیات غمزه (<https://ayateghamzeh.ir>)، علیرضا قزوه، ۲۲ شهریور ۱۳۹۵.

مجموعه مسابقات مجازی "غزل ایستادگی"

(با محوریت ایستادگی و مقاومت)

موضوع ویژه در کلیه محورهای مسابقه، "ایستادگی و مقاومت" می باشد.

محورهای شرکت در مسابقه

الف) مسابقه سخنرانی تصویری (متن خوانی)

ب) مسابقه سرودن شعر

ج) مسابقه طراحی صفحه روزنامه

د) مسابقه نقاشی

* شرکت کنندگان در همه گروه های سنی مجاز به ارائه اثر، در هر بخش از مسابقه می باشند.

* به افراد شرکت کننده در هر بخش که اثر آنها به انتخاب هیأت داوران رتبه های اول تا پنجم را کسب کند، جوایز ارزشمندی تعلق خواهد گرفت.

* ۸۸ هدیه فرهنگی ویژه حرم مطهر نیز از جوایز مسابقه می باشد.

نحوه ثبت نام و شرکت در مسابقه

برای اطلاع از شرایط مسابقه و ارسال اثر به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی، به نشانی haram.razavi.ir مراجعه فرمائید.



منتظر کارهای زیبای تان هستیم...

پورتال فرهنگی - تبلیغی حرم مطهر امام رضا علیه السلام

- صفحه اصلی پایگاه مجازی حرم مطهر رضوی: haram.razavi.ir
- پخش زنده مراسم و اماکن حرم مطهر رضوی: tv.razavi.ir
- دسترسی به آرشیو محصولات فرهنگی حرم مطهر رضوی: archive.razavi.ir



کانال ها و صفحات شبکه های اجتماعی

- ⬢ وقت سلام؛
- ⬢ حال و هوای حرم؛
- ⬢ ثبت درخواست زیارت نیابتی؛
- ⬢ اعلام برنامه های حرم مطهر رضوی؛
- ⬢ ارائه مطالب ویژه دختران و پسران ۱۲ تا ۱۸ سال؛
- ⬢ نشر معارف رضوی به زبان های عربی، انگلیسی، اردو، فرانسه و ...؛
- ⬢ انتشار تولیدات فرهنگی حرم مطهر رضوی، اعم از فیلم و صوت مراسم حرم مطهر رضوی.

می توانید به این شبکه ها از مسیرهای ذیل دسترسی داشته باشید:

- شبکه های فارسی: tvapp.razavi.ir/razavi_aqr_ir
- شبکه های بین الملل: tvapp.razavi.ir/razavi_int
- ربات چندزبانه حرم مطهر رضوی در شبکه های اجتماعی شامل بخش های پاسخگویی به سؤالات دینی، زیارت نیابتی و ارتباط با حرم: [@haramrazavi_bot](https://t.me/haramrazavi_bot)

